رازهای نهان در موسیقی

مهدی آقابابایی


بسم الله الرحمن الرحیم

رازهای نهان در موسیقی

نویسنده:

مهدی آقابابائی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

رازهای نهان در موسیقی

مشخصات کتاب

سرشناسه:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان،۱۳۹۱
عنوان و نام پدیدآور:رازهای نهان در موسیقی/ مهدی آقابابایی.
مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه
موضوع: راز – موسیقی

مقدمه

اشاره

بِسْمِ اللَّه الرحمن الرحیم

اخوان الصفا درباره‌ی ریشه موسیقی می گویند:

«یکی از اسباب وضع قواعد و قوانین موسیقی اینست که چون حوادث و وقایعی از ناحیه موجبان نجومی و تاثیرات که کواکب و اجرام مساوی پدید می‌آید مانند قحط و غلاء و خشک سالی و جز آنها، خواستند راهی پیدا کنند که از این گونه بلیات و حوادث ناگوار نجات یابند و به جهت این که هنگام اشتغال به عبادت حالت رقت قلبی به آنها دست دهد، ا لحانی به کار می‌بردند که لحن محزون می‌نامیدند. کم کم لحن دیگری را استخراج نمودند به نام مشجع، که رؤسای لشکر در جنگ‌ها به کار می‌بردند و لحن دیگری استخراج کردند که در بیمارستانها و اوقات سحر، برای تخفیف مرضها به کار می‌بردند و بسیاری از امراض را به وسیله آن الحان علاج می کردند.

لحن دیگری را استخراج کردند که در هنگام انجام کارهای دشوار مانند حمّالی، بنایی و ملاحی به کار می‌بردند تا بدین وسیله دشواری کار را احساس نکنند.

لحن دیگری استخراج کردند که در هنگام فرح و لذت و سرور و عروسیها و ولیمه‌ها به کار می‌رفت. الحانی خاص برای حیوانات و تشویق آنها درست کردند که شتربانان آن را در سفر به کار بردند و یا در تاریکی شب به کار بردند تا این که شتران به نشاط آیند و بار را بر آنها سبک نماید. همین طور گوسفند چرانها وگاو چرانها و اسب چرانها در هنگام آب دادن به حیوانات سوت می‌زنند و صفیر می کشند که این خود لحنی از موسیقی است.

همین طور شکارچیان الحانی در تاریکی شب به کار می‌بردند تا طیور و حیوانات به آنها نزدیک شوند. زنان برای اطفال خود الحانی درست کردند تا گریه آنها را آرام نموده، خوابشان نمایند. (معارف معاریف)

این حالاتی از موسیقیست که در زمان گذشته استفاده می‌شده، ولی در حال حاضر با موسیقی چگونه برخورد می‌شود؟

البته این حالات هنوز هم کم و بیش در بین مردم موجود است، ولی بحث ما بر سر آن موسیقیست که متاسفانه جامعه ما را به طرف فساد و تباهی می کشاند، افکار جوانان ما را منحرف و تخریب می‌نماید و بعضاً ضررهای بسیار مخربی را بر پیکره آنها وارد می کند. یک سری اصوات و الحان نابود کننده‌ی فکر و اعصاب و روان. آیا موسیقی که اکثر جوانان ما در حال حاضر از آن استفاده می کنند، اصلاً بهره‌ای از هنر موسیقی دارد یا صرفاً برای لهو و لعب، مجالس عیش و نوش، شب نشینیها و عروسیهاست؟

آیا این گونه موسیقی‌ها – که بیشتر منافع دشمنان ما را در بر دارد تا خود ما – ابزاری برای روح و تسلی خاطر است؟

یا ابزاریست برای دشمنان و نابود کننده‌ی اعصاب و روان ما که به شدت باعث نامتعادل شدن اعصاب سمپاتیک و پاراسمپاتیک می گردد؟!

چرا شرع مقدس ما آن را حرام کرده؟ چه سودی در تحریم این گونه موسیقی نصیب شرع مقدس می‌شود که سر مخالفت با آن گذاشته؟ چرا ائمه اطهار عَلَیْهم‌السَّلَام با آن مخالفت نموده‌اند؟ شما این ضرر را متوجه چه کسی می‌دانید؟ متوجه شارع، یا متوجه مراجع یا علماء که تبیین کننده نظرات ائمه عَلَیْهم‌السَّلَام هستند، یا صرفاً متوجه خود شخص استفاده کننده؟

اگر از جنبه و دیدگاه علمی به آن نگریسته شود متوجه می‌شویم همانطوری که تاکنون اثبات شده، ائمه معصومین عَلَیْهمُ‌السَّلَام و علماء و مراجع صرفاً به فکر سلامت بشر هستند و بر همین اساس می‌فرمایند:

«موسیقی مهیج و مطرب باعث مضرات مختلفه برای اعصاب و روح و روان خود استفاده کننده است».

و الا چه اشکالی دارد که شارع مقدس می‌فرمود:

برای آرامش روح و روان خود روزی چند دقیقه صرف گوش کردن موسیقی کنید؟ ولی می‌بینیم خلاف این مطلب را بیان می‌فرماید! چرا؟ چون ساختار فیزیکی و متافیزیکی ما با موسیقی‌های مبتذل سنخیتی ندارد.

و در پایان این نکته مهم را یاد آور می‌شویم که از راههایی که می‌توان جلوگیری کرد از موسیقی و تهاجم فرهنگی یکی موعظه و پند می‌باشد و دیگری نهی از منکر در اینجا توجه شما را جلب می‌کنیم به دو داستان واقعی زیر، تا مطلب برای شما بیشتر روشن شود:

۱ – در کوچه‌های بغداد

حضرت موسی بن جعفر عَلَیْهِ السَّلَام، در یکی از کوچه‌های بغداد می‌گذشت از خانه‌ای آوای زنان آوازه خوان به گوشش رسید حضرت که با تعجب و تأسف از کنار دیوار می‌گذشت کنیزکی دید که برای ریختن خاکروبه به کوچه آمد.

فرمود:

ای کنیزک این خانه مال کیست؟

عرض کرد:

مال مردی از مشاهیر این شهر به نام بِشر است، فرمود او آزاد است یا بنده؟ عرض کرد:

آزاد است و بندگان زیادی دارد.

حضرت فرمود:

راست گفتی او آزاد است که چنین به لهو و لعب آغشته شده و اگر او بنده بود هرگز در برابر مولای خود چنین گستاخ نبود و مرتکب چنین گناه نمی شد.

امام از آن محل گذشت و کنیزک به خانه برگشت و سؤال و جواب را با همان بیان به (بشر) در حالی که بر سر بساط شراب نشسته بود گفت، این بیان جالب و موعظه‌ی سودمند و منطق حکیمانه آن چنان در دل او اثر گذاشت و به طوری او را تکان داد که بی‌اختیار از جای جست و با پای برهنه شتابان به کوچه آمد و به دنبال حضرتر وان شد تا این که به حضرت رسید و خود را به پاهای مبارکش انداخت و بوسه داد و سپس با چهره‌ای اشک آلود گفت:

آقا تا این دقیقه غافل بودم و در مقابل مولای خود گستاخانه رفتار می‌کردم و مرتکب گناه بی‌شماری شدم ولی با آن بیانی که به کنیزک فرمودید تکان خوردم و دانستم که در اشتباهم آیا توبه‌ی من قبول است؟

حضرت فرمود:

بلی اما به شرط این که از تمامی آلودگی‌ها پشیمان باشی و دیگر غمزه‌های گناه دیدگانت را خیره نکند و بهتر است آلات و وسایل لهو و لعب را به دور افکنی، او چنین کرد و از زنان مغنیه و آوازه خوان گذشت و مسیر شیطانی را عوض کرده و به راه رحمانی قدم گذاشت و بال نتیجه به مقامات عالیه نائل آمد. (۱)

مقصود از نقل این مطلب اشاره به تأثیر موعظه است که مردی ناپاك و آلوده ی به گناه با چند کلمه موعظه سودمند و مؤثر از تمام گناهان دست شست و کار او به جایی رسید که بعضی از بزرگان از نصایح حکمت آمیز او استفاده می کردند.

۲ – نهی منکر ابوبصیر از مجلس میگساری و موسیقی همسایه اش

از ابی بصیر است که گفت:

من همسایه‌ای داشتم که از اعوان سلطان جور بود و مالی به دست آورده بود و کنیزان مغنیه‌ای گرفته بود و پیوسته انجمنی از جماعت اهل لهو و لعب و عیش و طرب آراسته و شراب می‌خوردند و مغنیات برای او می‌خواندند و به جهت مجاورت با او پیوسته من در اذیت و صدمه بودم از شنیدن این منکرات، لاجرم چند دفعه به سوی او شکایت کردم، او مُرتَدِع نشد و بالاخره در این باب اصرار و مبالغه‌ی بی‌حد کردم. جواب گفت مرا که: ای مرد، من مردی هستم مبتلا و اسیر شیطان و هوا و تو مردی هستی مُعافی (از اسارت شیطان رها)، پس اگر حال مرا عرضه داری خدمتِ صاحبت یعنی حضرت صادق عَلَیْهِ السَّلَام امید می‌رود که خدا مرا از بند نفس و هوا نجات دهد.

ابوبصیر گفت:

کلام این مرد در من اثر کرد، پس صبر کردم تا گاهی که از کوفه به مدینه رفتم، چون شرفیاب شدم خدمت امام عَلَیْهِ السَّلَام حال همسایه را برای آن جناب نقل کردم.

فرمود:

وقتی به کوفه برگشتی، او به دیدن تو می‌آید، پس به او بگو جعفر بن محمد می‌گوید ترك کن آنچه را که به جا می‌آوری از منکرات الهی، تا من ضامن شوم از برای تو بر خدا بهشت را. پس چون به کوفه مراجعه کردم مردم به دیدن من آمدند، آن مرد نیز به دیدن من آمد، چون خواست برود، من او را نگاهداشتم تا آنکه منزلم از واردین خالی شد، پس او را گفتم که: ای مرد، همانا حال تو را به جناب صادق عَلَیْهِ السَّلَام عرض کردم، فرمود:

که او را سلام برسان و بگو ترك کند آن حال خود را و من ضامن می‌شوم بهشت را برای او. آن مرد از شنیدن این کلمات گریست و گفت:

تو را به خدا سوگند که جعفر بن محمد چنین گفت؟ من قسم یاد کردم که چنین فرمود.

گفت:

همین بس است مرا، این بگفت و برفت. پس از چند روزی که گذشت نزد من فرستاد و مرا نزد خود طلبید، چون در خانه‌ی او رفتم دیدم برهنه در پشت در است و می گوید:

ای ابوبصیر، آنچه در منزل خود از اموال داشتم بیرون کردم و الآن برهنه و عریانم چنانکه مشاهده می کنی. چون حالآن مرد را دیدم نزد برادران دینی خود رفتم و از برای او لباس جمع کردم و او را به آن پوشاندم. چند روزی نگذشت که باز به سوی من فرستاد که من علیل شده‌ام، نزد من بیا. پس پیوسته به نزد او می‌رفتم و می‌آمدم و او را معالجه می کردم، تا وقتی که مرگش در رسید من بر بالین او نشسته بودم و او مشغول جان کندن بود که ناگاه حالت غشی او را عارض شد، چون به هوش آمد گفت:

ای ابوبصیر، صاحبت جعفر بن محمد وفا کرد برای من به آنچه وعده فرموده بود، این بگفت و دنیا را وداع نمود.
پس از مردن او چون به سفر حج رفتم، همین که به مدینه رسیدم و خواستم خدمت امام خود شرفیاب شوم، درب خانه استیذان (اذن) خواستم و داخل شدم، چون داخل خانه شدم یک پایَم در دالان بود و یم پایم در صحنِ خانه که حضرت صادق عَلَیْهِ السَّلَام از داخل اطلاق مرا صدا زد:
ای ابوبصیر، ما وفا کردیم برای رفیقت آنچه را که ضامن شده بودیم. (۲)
کتابی که پیش رو دارید پیرامون جوان و موسیقی می‌باشد که شامل ... فصل می‌باشد، که برگرفته از آیات و روایات و سخنان بزرگان و اندیشمندان و فتاوای مراجع بزرگوار تقلید و بیماری‌ها و امراض موسیقی می‌باشد و در پایان هم آلات موسیقی معرفی شده است و از خداوند تبارک و تعالی خواستار توفیق روز افزون فراگیری احکام و عقائد و اخلاق هستیم.
اگر هم نقصی و مشکلی در کار است ما را با انتقادات سازنده و ارزنده‌ی خود یاری نمائید.
ثواب این کتاب را هدیه می‌کنم به ولی نعمت ما ایرانیها، حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا عَلَیْهِ السَّلَام.
پایان یافت در شام شهادت صدیقه‌ی کبری، فاطمه زهرا .
میرزا مهدی آقابابایی
۱۸ / ۳ / ۱۳۸۷
فاطمیه ۱۴۲۹

فصل اول مفهوم غنا و موسیقی

پیشینه‌ی موسیقی وغنا

اختراع موسیقی و غنا

گاهی خوبی و بدی چیزی را از طریق شناخت مخترع و بنیانگذار آن می‌توان به دست آورد؛ یعنی اگر عمل و روشی به وسیله‌ی شخص محترمی، یا با سفارش او بنیان گذاشته شود یا رواج یابد، معلوم می‌شود آن عمل پسندیده و موجب تقرب به خداست.
همچنین اگر عمل و سنتی به وسیلهی شخص خبیثی تأسیس و بنیان گذاشته شود در می‌یابیم که آن عمل ناپسند و باعث دوری از رحمت خدا می‌شود.
بر اساس دلایل موجود و روایاتی که در دست داریم، موسیقی و غنا به وسیله‌ی شیطان ملعون اختراع شده و در طول تاریخ به وسیله‌ی افراد غیر متعهد و بی‌مبالات به دین، مانند:
سلاطین جود و مأموران فاسق آنان رواج یافته است.

مخترع موسیقی

همان طوری که اشاره شد در برخی روایات، اختراع موسیقی به شیطان نسبت داده شده است:
۱ - امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام می‌فرماید:
وقتی حضرت آدم عَلَیْهِ السَّلَام رحلت نمود، ابلیس و قابیل با رحلت او خوشحال شدند آن دو در اجتماعی شرکت جستند و به نشانه شادی برای مرگ آدم عَلَیْهِ السَّلَام از طنبورها (۳) و وسایل لهو (موسیقی) استفاده کردند.
پس هر کسی در روی زمین از این وسایل لذت می‌برد از پیروان ابلیس و قابیل می‌باشد.

(۴)

از این حدیث استفاده می‌شود که مخترع اصلی موسیقی و نوازندگی شیطان و قابیل می‌باشند.

مخترع غنا

در برخی دیگر از روایات اختراع غنا به شیطان منسوب و از او به عنوان اولین خواننده یاد شده است.

در تفسیر عیاشی ا ز جابر بن عبدالله انصاری و از پیامبر گرامی اسلام صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم روایت کرده است:

شیطان نخستین کسیست که آوازه خوانی کرد و اولین کسیست که نوحه گری نمود و اولین کسیست که حدی خواند، هنگامی که آدم عَلَیْهِ السَّلَام از (میوهی) درخت خورد، شیطان آواز خوانـد و هنگامی که از بهشت اخراج شد و هبوط کرد، حدا خواند و زمانی که در زمین مستقر شد نوحه گری را آغاز کرد که به وسیله‌ی آن نعمت‌های بهشت را برای آدم عَلَیْهِ السَّلَام یادآوری می‌کرد و تا اندوه آدم عَلَیْهِ السَّلَام افزون گشته و شیطان خوشحال گردد. (۵)

از این دو حدیث روشن می‌شود که غنا (آوازه خوانی) و موسیقی (نوازندگی) از کارهاییست که به دست شیطان تأسیس شده است.

بدیهیست که شیطان همیشه دنبال کارهای خلاف و دستور خدا بوده و هیچ کار مطلوبی انجام نمی‌دهد و از همین جا می‌توان به بدی غنا و موسیقی پی برد.

سابقه‌ی موسیقی در ایران

غنا و موسیقی در ایران سابقه‌ای طولانی دارد و مردم این مرز و بوم با آن مأنوس بوده‌اند.

در کتاب تاریخ ایران، مشیرالدوله می‌نویسد:

«بهرام گور از هند دوازده هزار موسیقی دان را جهت نوازندگی آورد».

راجع به همین بهرام گور «فخر الاسلام» از تاریخ اصفهانی نقل می‌کند که: بهرام گور دستور داد مردم نصف روز کار کنند و نیمی دیگر را به عیش و عشرت بگذرانند، باده بنوشند و نوای موسیقی بنوازند، از این رو مقام آوازه خوانان اوج یافت، روزی بر گروهی عبور کردند که می‌نوشیدند؛ ولی گوش نمی‌دادند.

پرسید:

کو آوازه خوان؟ جواب دادند:

می‌خواستیم از وجودشان استفاده کنیم، اما هزینه‌شان به واسطه‌ی کمیابی زیاد است.

بهرام نامه‌ای به پادشاه هند نوشت و رامشگر (نوازنده و خواننده) خواست.

دوزاده هزار رامشگر از هند آمدند و بهرام آنها را به شهرهای ایران تقسیم نمود.

پیشرفت چشمگیر موسیقی بین اعراب

عرب با موسیقی و غنا به صورت بسیط و ساده‌اش آشنا نبود؛ پس از امتزاج با ایرانیان لهو و غنا به سرعت انتشار یافت. عجب اینست که سرزمین حجاز از خود سرزمین‌های عراق و شام که مرکز اصلی این صنعت بود جلو افتاد.

حجاز از نیمه‌ی دوم قرن اول هجری، هم مرکز فقه و حدیث بود و هم مرکز لهو و موسیقی. امرا و حکام اموی سخت از لهویات ترویج می‌کردند و به آنها سرگرم بودند. بر عکس ائمه‌ی اهل بیت عَلَیْهِمُ‌السَّلَام شدیداً مخالفت می‌کردند که در فقه و حدیث

منعکس است.

اگر مطلب را در سطح عامه‌ی مردم بررسی کنیم، می‌بینیم توده‌ی مسلمان ایرانی و همچنین علمای ایرانی نژاد با آن همه سوابق ملی در این کار، بیش از توده‌ی عرب و علمای عربی نژاد عکس العمل و مخالفت نشان دادند.

درباره‌ی «مالک بن انس» امام معروف اهل سنت که نژاد عرب دارد، نوشته‌اند:

در آغاز کار می‌خواست رشته‌ی موسیقی را تعقیب کند.

مادرش او را منع کرد و گفت:

چون چهره و قیافه‌ای زیبا نداری بهتر است رشته‌ی فقه را دنبال کنی و همین کار را کرد. (۶)

ورع و پرهیزگاری ایرانیان آن زمان

آنچه تأمل بر می‌انگیزد اینست که اولاً ایرانیان، اهل فن غنا و موسیقی بودند و در آن کار سابقه‌ای زیادی داشتند و عادتاً آنها باید از نظر شرعی دنبال توجیه و تأویل بروند، ثانیاً شیوع لهو و غنا در حجاز به وسیله‌ی ایرانیان صورت گرفت. مغنیان معروف آن عصر بیشتر ایرانی بوده‌اند، در عین حال در جالت مذهبی آن روز، ایرانیان بیش از سایر ملت‌ها تورّع و پرهیزگاری نشان داده‌اند و همچنان که اشاره شد، محل بحث حالت و محیط مذهبی است؛ اما محیطهای غیر مذهبی؛ مانند «دربار هارون و دستگاه برامکه» شکل دیگر بود.

(۷)

موسیقی در جنگ‌های صدر اسلام

به هیمن جهت بوده است که در جنگ‌های صدر اسلام که در حدود هشتاد جنگ و دفاع بوده است، نمی‌بینیم که مسلیمن برای تهییج سربازان خود به موسیقی متوسل شوند، بلکه آنها شعارهای واقعی خود را به طور دسته جمعی گفته تحریک می گشتند، چنان که در یکی از جنگ‌ها، قریش شعار ذیل را با موسیقی و هیجان رزم می گفتند:

اُعلُ هُبَل، اُعلُ هُبَل

بلند باد هبل، بلند باد هبل.

و مسلمانان هم در مقابل می‌گفتند:

الله اعلی و اجل؛ خداوند بالا و بلند مرتبه است و با این که کفار به هر گونه وسایل موسیقی آن زمان برای تحریک سربازان خود متوسل می گشتند، مسلمانان کوچک‌ترین اعتنایی به مسأله‌ی موسیقی نداشتند. (۸)

موسیقی یکی از ابزار استعمار است

برای بیگانگان و اسعتمارطلبان که در مقام بهره برداری از منابع طبیعی و ربودن گنج‌ها و ثروت کشورهای ضعیف هستند، چیزی موثرتر از آشفتگی فرهنگ و ناتوانی خرد و دانش ملتها نیست.

آنها خوب می‌دانند، اگر ملتی فرهنگ صحیح داشته و به حقوق مدنی و اجتماعی خود آشنا و دارای عقل سلیم و اعصاب سالم باشد، هیچگاه اجازه تجاوز به دیگران نمی‌دهد؛ روی همین اصل سخت می کوشند تا با وسایل مختلف، نیروی خرد و دانش و عزم و اراده ملتهای کوچک را ناتوان ساخته، تا از این ضعف و ناتوانی به نفع توانایی خویش، استفاده گیرند.

از جمله برنامه‌هایی که در دفتر سیاسی خود برای رسیدن به این مقصود و برده ساختن مردم، تنظیم کرده‌اند.

آزادی افسار گسیخته ازدیاد مجالس سستی و رقص و کنسرت و کاباره‌ها، نمایش فیلمهای مهیج شهوت، انتشار عکس عریان و نیمه

عریان زنان هوسباز به وسیله رسانه‌ها و نشر داستانها و رمانهای محرک، ستایش رقاصه‌ها، تشویق جوانان به نوازندگی و خوانندگی، سرگرم ساختن ملتها به هر وسیله‌ای حتی به حل کردن جدول، پخش تصنیفهای مهیج شهوت و اشعار عاشقانه و نمایش رقص خانمها، اینها همه از عواملیست که در نقشه استعمار، برای ناتوان ساختن اندیشه ملته ا به کار رفته است.

آری آنها می‌خواهند به وسیله اجرای برنامه‌های فوق، در دنیای جدید که خود می‌گویند عصر آزادی و دموکراسی است، بردگی جدیدی به وجود آورده و عده بسیاری از انسانها را در اثر ابتلائات روحی دچار حیرت و سرگردانی، ناتوانیهای فکری، تضییع نیروی تشخیص افسردگی و خمودی، ضعف اعصاب، ضعف جسمانی، انگیزه‌های قوی اغتشاشات فکری، هیجانات روحی، جنون، بیماریهای قلبی، انتحار، تهییج عشق، شکست عمر و بالاخره تسلیم در برابر استعمار نموده‌اند، تا از بردگی آنان به سود آقایی خود استفاده تمام و کمال ببرند!

بدیهیست وقتی ما در پیرامون عمل و کارکردموسیقی دقت کنیم، می‌بینیم آنچه را که بیگانگان می‌خواهند به نفع سیاست استعماری خود به دست آورند؛ همه رام وسیقی در قدرت و نفوذ تحریکات خود به همراه دارد و آنچه خوبان! همه دارند او به تنهایی داراست و اگر بگوییم در دنیای امروز موسیقی مجهزترین ابزار استعمار است، راه خطا نرفته‌ایم.

بر این اساس آن قدر که در موسیقی و انتشار آن تبلیغ می‌شود، درباره‌ی هیچ یک از مسائل ضروری و امور حیاتی بشر تبلیغ نمی‌شود. صدا وسیما که دستگاه حساسی برای تعلیم و تربیت، گسترش دانش، بالا بردن سطح افکار عمومی و بهترین دستگاه برای نشر اخلاق و امور معنوی و آشنا ساختن جامعه به راه و رسم صحیح زندگی است، به وسیله موسیقی اکثراً وقات شبانه روزش اشتغال شده و تمام برنامه‌های اصلاحی تحت الشعاع زیر و بم‌های موسیقی قرار گرفته است.

چه بسا ملتی که کار و فرهنگ و بهداشت او با مشکلات فراوانی مواجه است.

برنامه موسیقی آن از همه چیز کاملتر است.

در برنامه استعمار:

موسیقی هنر معرفی می‌شود!

موسیقی را غذای روح می‌دانند!

موسیقی در رشد گیاهان مؤثر می‌گردد!

موسیقی سبب فربه شدن گوسفندان می‌گردد!

موسیقی در ازدیاد شیر گاو و انسان تأثیر می‌کند! (۹)

و حال آنکه هنر باید خدمتگذار بشر باشد نه زیان زننده به جسم و جان او و غذای روح باید سطح دانش و فرهنگ بشری را بالا ببرد، نه او را به سوی بیماریهای روحی و ناتوانیهای فکری و دیوانگی رهسپار کند و برای رشد گیاهان آب و کود طبیعی لازم است، تا در بافتها و یاخته‌ها و اندام و قسمتهای «سیتوپلاسم» و «پروتوپلاسم» گیاهان مؤثر واقع گردد، نه تار و ضرب نوازندگان و ازدیاد شیر گار و انسان و فربه شدن حیوانات احتیاج به خوراک خوب و کافی دارد تا آنکه هضم و جذب بدن شده و آنگاه شیر خوب به وجود آورد یا جثه حیوان را قوی سازد؛ نوای موسیقی به طور غیر طبیعی و زیان آور به هضم و جذب غذا و ازدیاد شیر کمک می‌کند.

از همه مهمتر تهمتیست که به عالم علم و جهان پزشکی زده و تبلیغ می‌کنند که «موسیقی دیوانگی و بیماریهای روحی را معالجه می‌کند».

اگر چنین است چرا روز به روز بر تعداد بیماران روحی و کثرت مراکز درمانی روانی اروپا و آمریکا و کشرهای دیگر افزوده

می‌شود و چرا آمار خودکشی‌ها و ناکامی‌ها روز به روز بالا می‌رود به طوری که روانشناسان را متوحش ساخته است!

اگر موسیقی دیوانگان را معالجه می‌کند چرا دانشمندان و روانشناسان و استادان روشنفکر طب و بهداشت برای خدمت به جهان بشریت، اجازه نمی‌دهند ویول نیستها و پیانیستها، تار و ضرب و وسایل موسیقی خود را برداشته و وارد تیمارستانها شوند و مدتی بخوانند و بنوازند و دیوانگان را شفای عاجل بخشند تا هزینه‌ی سنگینی که صرف تیمارستانها و معالجه دیوانگان می‌شود را لااقل صرف بهبود وضع عقلای مردم نمایند. (۱۰)

آری همه اینها تبلیغات است، زیرا موسیقی یکی از وسایل مجهز بردگی جدید بشر است که به آسانی می‌تواند در دورترین نقاط به وسیله ماهواره‌ها زنجیر بردگی خود را به دست و پای بشر ببندد و بر نیروی فکری مرد و زن حکومت نماید. روی هیمن اصل خدمتگزاران جهان بشری و دانشمندان و روانشناسان بزرگ و دلسوز دنیا، در مقام بیداری جامعه بشریت برآمده تا جهانیان را به این طرز بردگی جدید واقف سازند. (۱۱)

«ناپلئون هیل» نویسنده‌ی آمریکایی می‌نویسد:

«ده چیز است که باعث هیجان و تحریک مغز می‌شود، این وسائل ده گانه‌ای که مغز انسان را به هیجان و فعالیت وادار نموده و نوسانات آن را به اعلاء درجه می‌رساند به شرح زیر می‌باشد:

۱ – اشتیاق و علاقه‌ی جنسی

۲ – عشق

۳ – اشتیاق سوزان برای کسب شهرت یا تحصیل مال

۴ – موسیقی

۵ – دوستی و رفاقت بین دو مرد یا دو زن یا یک زن و یکمرد

۶ – تبادل افکار با روح اتحاد و سازگاری بین دو نفر یا بیشتر برای نیل به موفقیت

۷ – تلقین به نفس

۸ – تحمل زحمت و مشقت زیاد

۹ – ترس

۱۰ – مخدرات و الکل. (۱۲)

یکی از نویسندگان معاصر می‌نویسد:

«به آن افراد نادان و بی‌فکری که به جای تشویق جامعه به صنایع و اختراعات و توجه به اکتشافات به موسیقی و شراب دنبک اهمیت نمی‌دهند، بگویید یش از این خیانت به کشور روا مدارید.

وقتی استعمار گران و بیگانگان بخواهند اعصاب ملها را ضعیف نموده و آنان را ازکارهای سودمند اجتماعی باز دارند، به برنامه موسیقی و ساز و آواز آنان بیش از کار و صنعت اهمیت می‌ده ند. (۱۳)

و یکی ار راه‌های مبارزه با تهاجم فرهنگیست چنان چه مقام مظم رهبری در این باره می‌فرمایند:

راجع به موسیقی و روش مقابله با تهاجم فرهنگی می‌فرماید:

این که ما بگوییم موسیقی بهترین راه مقابله با تهاجم فرهنگی است، نه من به این معتقد نیستم که موسیقی یک چنین کششی داشته باشد؛ بهتر است بگوییم یکی از راه‌های مبارزه با تهاجم فرهنگی است.

البته با شرایطی می‌تواند باشد اما بهترین راهش را این نمی‌دانم. (۱۴)

فصل دوم، مفهوم غنا و موسیقی

مفهوم غنا و موسیقی

اشاره

قبل از آنکه به موضوع بحث بپردازیم لازم است با مفهوم لغوی و فقهی غنا و موسیقی و آنچه مربوط به این دوست آشنا شویم، زیرا چنان چه ماهیت غنا و موسیقی برای ما روشن نشود موضوع بحث مجهول خواهد ماند و این موجب ابهام در حکم نیز می گردد.

[پیش درآمد]

۱ – معنای لغوی موسیقی

اشاره

اصل واژه‌ی موسیقی یونانی است که در زبان عربی و فارسی نیز استعمال می‌شود.

اهل لغت مفهوم آن را با عبارتهای گوناگون بیان کرده‌اند که به برخی از آنها اشاره می کنیم.

الف: در اقرب الموارد آمده است:

«الموسیقی فنُّ الغناء و التطریب، یونانیتها موسیکی و صاحب الفن موسیقی».

موسیقیا به معنای فن آوازه خوانی، سرود خوانی و شادی کردن است؛ لفظ یونانی آن موسیکا می‌باشد و صاحب این فن [در زبان عربی] موسیقی می گویند. (۱۵)

ب: در المعجم الوجیز می‌خوانیم:

«الموسیقی یطلق علی فنون العزف علی آلات الطرب – الموسیقی المنسوب الی الموسیقی، الموسیقار: من حرفته الموسیقی».

موسیقا لفظیست که بر فنون و نواختن آلات طرب اطلاق می‌شود.

موسیقی به کسی گفته می‌شود که با موسیقی ارتباط داشته باشد و به آن منسوب گردد.

موسیقار کسیست که حرفه و شغلش موسیقی باشد.

(۱۶)

عبارت فوق در المعجم الوسیط نیز آمده است.

(۱۷)

شکی نیست که موسیقی مطرب را همه‌ی علما حرام می‌دانند. بسیاری از مردم فکر می کنند که موسیقی باید به نظر هر شخص و طبع هر فردی طرب آور باشد، در حالی که مطرب بودن عرفی و نوعیست و بسیاری از مردم موسیقی اصیل و سنتی را حلال و موسیقی مبتذل را حرام می‌دانند؛ در حالی که اگر مطرب باشد، فرقی بین اصیل و غیر آن نمی کند.

علامه‌ی جعفری (رحمه الله) پیرامون تعریف موسیقی می‌فرمایند:

انسان‌ها به جهت داشتن کیفیت‌های روانی مختلف، برداشت‌ها و دریافت‌های گوناگونی از موسیقی دارند. لذا در تعریف موسیقی گفته شده است:

«موسیقی هنریست که از تنظیم و ترکیبات اصوات به وجود می‌آید و زیبایی آن بر حسب اثریست که در ذهن شنونده دارد سنجیده می‌شود».

کسی دیگر درباره‌ی موسیقی چنین می گوید:

«نوای موسیقی از احساسات و انفعالات درونی انسان ناشی می‌شود و معرف غم و شادی، هیجان و آرامش روحی انسان است» و ما چون نمی‌دانیم که پدیده‌ی موسیقی در سطوح خود آگاه، نیمه خود آگاه و ناخود آگاه چه اثری ایجاد می کند، لذا نمی‌توانیم یک تعریف روشنی مانند تعریف یک نمود فیزیکی، در پدیده‌ی موسیقی داشته باشیم. از مجموع مطالعات درباره‌ی این پدیده می توان به دو اصطلاح عمده دسترسی پیدا کرد:

۱ – مفهوم عمومی موسیقی: این مفهوم شامل هر صدا و آهنگی می‌باشد که تاثیر در روان آدمی از نظر احساسات و تموجات روانی به وجود می‌آورد.

۲ – مفهوم خاص موسیقی: این نوع موسیقی به انواع گوناگون تقسیم می گردد؛ مانند موسیقی کلیسا، اپرت، لید، سنفونی و...

البته تقسیم دیگری در باره موسیقی گفته شده:

موسیقی طبیعی: نغمه‌ی جویبارها، صدای آبشارها، صدای وزش بادهای ملایم در درختان، نوای پرندگان، که این گونه نواهای طبیعی چون غالباً یک رنگ و یک نواخت و بر یک آهنگ و میزان ملایم است مسرت بخش می‌باشد.

موسیقی هنری: عبارت است از همان آهنگ‌هایی که بشر آنها را ساخته است و وسایل مصنوعی آن در دنیای کنونی عبارت است از: تار، ویلون، سنتور، اکوردئون، گیتار، پیانو و غیره.

آهنگ‌های مصنوعی دارای زیر و بم و ارتعاشات و تحریکات گوناگونی است که گاه می‌خنداند و زمانی می گریاند و گاهی به حد افراط نیروی نشاط را در آدمی تحریک می کند.

زمانی او را سخت به دیار غم و اندوه می‌فرستد یا او را در حیرت و بهت فرو می‌برد و گاهی اندیشه‌های منطقی او را به خیالات و پندهایی تبدیل می کند، در صورتی که آهنگ‌های طبیعی چنان که متذکر شدیم نمودهای مستقیم واقعیت‌هاییست که در جریانند. (۱۸)

انواع موسیقی به لحاظ کاربرد محتوایی

۱ – موسیقی اصیل و سنتی و غیر سنتی

[موسیقی اصیل و سنتی]

مقام معظم رهبری راجع به موسیقی اصیل و سنتی می‌فرماید:

من نمی‌توانم به طور مطلق بگویم که موسیقی اصیل ایرانی، موسیقی حلال است، نه این طور نیست. بعضی خیال می کنند که مرز موسیقی حلال و حرام موسیقی سنتی است، نه این طور نیست. آن موسیقی که منادیان دین و شرع همیشه در دوره‌های گذشته با آن مقابله می کردند و می گفتند:

حرام است، همان موسیقی سنتی خودمان است که به شکل حرامی در دربارهای سلاطین، در نزد افراد بی‌بند و بار، در نزد افرادی که به شهوات تمایل داشتند اجرا می‌شده، این همان موسیقی حرام است.

بنا بر این مرز موسیقی حرام و حلال عبارت از ایرانی بودن، سنتی بودن، قدیمی بودن، کلاسیک بودن، غربی بودن یا شرقی بودن

نیست. مرز آن چیزیست که من عرض کردم. این ملاک را می‌شود به دست شما بدهیم؛ اما این که این نوار جزو کدام گروه است، این را من نمی‌توانم مشخص کنم.

آیا موسیقی سنتی که میراث ملی ایران می‌باشد حرام است یا خیر؟

مقام معظم رهبری (دامت برکاته): چیزی که از نظر عرف موسیقی لهوی مناسب با مجالس لهو و معصیت محسوب می‌شود به طور مطلق حرام است و در این مورد فرقی بین موسیقی ایرانی و غیر ایرانی و موسیقی سنتی و غیر آن نیست. (۱۹)

آیت الله العظمی سیستانی (دامت برکاته): معیار حرام و حلال سنتی بودن نیست.

آیت الله العظمی بهجت (دامت برکاته): موسیقی مطرب حرام است و موسیقی ملهی نیز مورد احتیاط است.

آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته): حرام است.

آیت الله العظمی فاضل لنکرانی رحمهٔ الله علیه: سنت حرام باید ترک شود.

آیت الله العظمی تبریزی رحمهٔ الله علیه: موسیقی لهوی حرام است و فرقی بین سنتی و غیر سنتی نیست. (۲۰)

۲ – موسیقی حرام

مقام معظم رهبری پیرامون موسیقی حرام می‌فرمایند:

در مورد موسیقی دو حرف وجود دارد، یکی این که ببینیم اساساً مشخصه‌های موسیقی حلال و حرام چیست؟

دیگر این که بیاییم در مصداق، مرزهایی را مشخص کنیم تا به قول شما جوانان بدانند که این یکی حرام است و این یکی حلال. البته این دومی کار آسانی نیست، کار دشواریست که انسان از این همه اجرای موسیقی‌های گوناگون، موسیقی خارجی، موسیقی ایرانی هم با انواع و اقسامش، با کلام، بی‌کلام بخواهد یکی یکی اینها را مشخص کند؛ اما مشخصه‌های کلی دارد که آن را می‌شود گفت. البته من هم در جاهایی به بعضی از اشخاص که دست اندر کار بودند، آنچه را که می‌توانستم گفته‌ام. حالا ـ هم مختصری برای شما عرض می‌کنم.

ببینید موسیقی اگر انسان را به بیکاری و ابتذال، بی‌حالی و واخوردگی از موقعیت‌های زندگی و احوال اینها بکشاند، این موسیقی، موسیقی حلال نیست موسیقی حرام است.

موسیقی اگر چنانچه انسان را از معنویت از خدا و از ذکر غافل کند این موسیقی حرام است.

موسیقی اگر انسان را به گناه و شهوترانی تشویق کند این موسیقی حرام است.

نظر اسلام این است، موسیقی اگر این خصوصیات مضر و موجب حرمت را نداشته باشد، البته آن وقت حرام نیست. اینهایی را که من گفتن بعضی از آنها در موسیقی بی‌کلام و سازهاست بعضی هم حتی در کلمات است؛ یعنی ممکن است فرضاً یک موسیقی ساده‌ی بی‌ضرر را اجرا کنند، لیکن شعری که در این موسیقی خوانده می‌شود، شعر گمراه کننده‌ای باشد.

شعر تشویش کننده‌ی به بی‌بند و باری به ولنگاری، شهوترانی، غفلت و این طور چیزها باشد آن وقت حرام می‌شود.

بنا بر این آن چیزی که شاخص حرمت و حلیت در موسیقیست و نظر شریف امام در اواخر حیات مبارکشان که آن نظریه را در باب موسیقی دادند همین مطلب بود.

لهو یعنی غفلت، یعنی دور شدن از ذکر خدا، دور شدن از مععویت، دور شدن از واقعیتهای زندگی، دور شدن از کار و تلاش و فرو غلتیدن در ابتذال و بی‌بند و باری پس این موسیقی می‌شود حرام.

۳ – موسیقی متعالی یا عرفانی

قسـمتی از موسیقی که احساسات متعالی شنونده را بر می‌انگیزاند و او را به یاد خدا و بهشت می‌اندازد و دلبستگی به زخارف دنیا را در وجود او کـاهش می‌دهـد و رغبت به عبادت و اطاعت از خـدا و تقوا و دینـداری را در دل او تقویت می کنـد و دوری از گناه را سلب می‌شود. نفس این موسیقی در تلطیف و ذوق و پرورش فضائل اخلاقی نیز قابل توجه است.
(۲۱)

۴ – موسیقی مفید

آن است که کاربرد مفید و مثبت دنیایی داشته باشد و از عوارض سوء اخلاقی به دور باشد.
در موسیقی مفیو فوائد و نتایج مثبت دنیوی مانند رفع خستگی و ... نهفته است.
(۲۲)

۵ – موسیقی مبتذل

این نوع موسـیقی بر خلاف دو نوع قبلی که باعث تحریک و تحریص شهوات نفسانی می‌شود و انسان را از یاد خدا باز می‌دارد و به ارتکاب گناهان سوق می‌دهد و با اهداف دین در تضاد است.
(۲۳)

۶ – موسیقی بیهوده

این نوع موسیقی، مستقیماً تأثیر سویی را در برندارد اما سبب سرگرمی اتلاف وقت و گرایش به پوچی می‌شود. (۲۴)

چند استفتاء

موسیقی غم انگیز

گوش دادن به موسیقی غم انگیز چه حکمی دارد؟
همه مراجع: در موسیقی حرام تفاوتی بین شاد و غم انگیز بودن آن نیست و گوش دادن به هر دو حرام است.
(۲۵)

موسیقی نیرو بخش

اگر گوش دادن به موزیک باعث نیرو گرفتن و علاقه پیدا کردن به کار باشد حکمش چیست؟
همه مراجع: اگر از نوع موسیقی حرام باشد گوش دادن به آن جایز نیست. هر چند باعث علاقه پیدا کردن به کار شود. (۲۶)

موسیقی تفریحی

آیا استماع موسیقی و یا غنا به قصد تفریح، تفنن و گذراندن اوقات فراغت اشکال دارد؟
همه مراجع: اگر از نوع موسیقی حرام باشد گوش دادن به آن جایز نیست. هر چند به منظور هدف یاد شده باشد.

(۲۷)

موسیقی کوتاه

آیا گوش دادن به موسیقی، (حد و اندازه و زمان) مشخص دارد؟
برای مثال اگر کسی دو دقیقه به قطعه‌ای از موسیقی لهوی گوش دهد آیا مرتکب گناه شده است؟
همه مراجع: تفاوتی میان موسیقی کوتاه مدت و بلند مدت نیست. (۲۸)

۲ – مفهوم نوت = نت

فرهنگ زبان فارسی «نوت» را این گونه معنا کرده است:
نوت (= نت): نشانه‌هایی که به وسیله‌ی آنها آوازهای موسیقی را نشان می‌دهند، دو، ر، می، فا، سل، لا، سی.
در فرهنگ معین نیز «نوت» را شبیه عبارت فوق معنا کرده و سپس چگونگی کاربرد هر یک از آن هفت نشانه را توضیح داده است.
(۲۹)

۳ – معنای لغوی غناء

اکثر علماء و لغویین «غناء» را تفسیر کرده‌اند به: ترجیع آوازی که شنونده را به طرب آورد. (۳۰)
صوت لهو یعنی؛ آوازی که از روی لهو و التذاذ از قوه‌ی شهویه بیرون آید اعم از این که در عرف آن را سرود و خوانندگی بگویند مانند غنای در اشعار یا نگویند به واسطه‌ی آن کلمات قرآن یا مرثیه باشد اگر چه مشتمل بر طرب نباشد، پس در تحقیق غناء فرقی نیست بین اشعار و قرائت قرآن یا مرثیه و غیر اینها، چون اذان بلکه حرمت غناء در مراثی و قرآن شدیدتر است و معصیت آن بیشتر و عقاب آن مضاعف است.
(۳۱)
فقهای عالی قدر در تعریف غناء می‌فرمایند:
«مد الصوت المشتمل علی الترجیع المطرب»
غناء عبارت است از: کشیدن و چرخانیدن صدا در حلق به حالتی که مناسب مجالس لهو و باطل (مطرب) باشد.
(۳۲)
غناء و جمیع خوانندگی را در فارسی «سرود» می‌گویند و در میان عرب اکنون هم می‌شنویم کسی را که می‌خواهند بگویند خوانندگی کن، می‌گویند:
«تَغَنَّ»
یعنی:
غناء بکن. (۳۳)

۴ – معنای ترجیع

ترجیع را تفسیر کرده‌اند به: تکریر و حرکت دادن آواز در گلو. (۳۴)

صاحب قاموس و صحاح گفته‌اند:

ترجیع، گردانیدن آواز در حلق است و صاحب نهایه ترجیع را تصور نموده به این که بگوید:

آا آا آا و سایر اهل لغت هم قریب به همین مضـمون گفته‌اند و خلاصه ترجیع همانست که در اصـطلاح خواننده‌ها تحریش گویند. (۳۵)

بنا بر این ترجیع عبارت است از: آوا، آهنگ دادن به صدا، زیر و بم و چهچه‌ی صدا.

۵ – معنای طرب (مطرب)

اشاره

حالتیست که از آن برای آدمی خوشحالی یا اندوه حاصل می‌شود. (۳۶)

طرب را در صحاح این طور معنی کرده:

(الطرب خفه یصیب الانسان شده حزن او سرور) (صحاح، قاموس)

طرب یک سبکیست که به سبب اندوه زیاد یا خوشحالی فوق العاده به انسان دست می‌دهند.

و قریب به همین معنی را سایر اهل لغت ذکر کرده‌اند.

پس طرب حرکتیست در طبع، از سرور یا اندوهی که ناشی از شنیدن سازها و آوازهای خوش است حاصل می‌شود. (۳۷)

به فیض کاشانی رحمهٔ الله علیه و خراسانی رحمهٔ الله علیه نسبت داده‌اند که این دو بزرگوار منکر حرمت غناء شده‌اند.

امام خمینی رحمهٔ الله علیه در این مورد می‌فرماید:

این نسبت بر خلاف ظاهر کلام این دو بزرگوار است؛ بلکه ظاهر کلامشان اینست که غناء دو قسم است:

غنای حق و غنای باطل.

غنای حق در مورد اشعاریست که ذکر بهشت و جهنم و تشویق مردم به آخرت را در بر دارد.

غنـای باطـل همـان چیزیست که در مجـالس اهـل لهو و باطـل مثـل مجالس بنی امیه و بنی عباس بوده است و سـخن مرحوم فیض و مرحوم خراسانی ثابت نشده است که بر خلاف اجماع یا مذهب باشد. (۳۸)

پس طرب عبـارت است از: حالتی که در اثر غم یا شادی به انسان دست می‌دهـد به گونه‌ای که در اثر آن، حرکات سـبک وخلاف شأن، وقار و متانت از او صادر گردد.

انواع طرب

۱ – طرب مفرَّح و حزن انگیز

ابن خردادبه در تعریف غناء به نکات قابل توجهی اشاره می کند.

او می گوید:

«الغناء ما اطربک فافضک و ابکاک فاشجاک» غناء آن است تو را به طرب آورد، برقصاند، بگریاند و اندوهناک سازد.

طرب همان تأثر روح و نفس می‌باشد از آنچه که به سمع آن رسیده است.

در ینجا ابن خردادبه طرب غنایی را بیان کرده و تاثیر غنا در نفس ظاهر می‌شود و تاثیر صوت خوش خدادادی که باکلام الهی در آمیخته، در روح ظاهر می گردد.

شادی نفسانی در حرکات جسمی بدن ظاهر می‌شود و در نوع مبتذل به بدن نمایی و دعوت به خود منتهی می‌شود و حزن نفسانی نیز با یادآوری آمال ناکام مانده و تداعی فریب خواسته‌های نفس، ظهور کند.

این دو نوع شادی و حزن نفسانی ناشی از صورت غنایی نفسانی است که با انگیز و حال خاص خواننده یا نوازنده و ملاحظه حال مستمع به وجود می‌آید.

۲ – طرب خیالی

حسن بن الکاتب (در گذشته‌ی ۶۲۵ ه. ق) در کتاب موسیقی خود می گوید:

اصولاً ـ موسیقی واقعی ان است که خود موسیقی دان را به طرب اورد، یعنی هنرمندی ا که به رموز و اصول و قواعد علم موسیقی آشناست و سمع خود ا به هر صوتی آلوده نکرده و گرنه کسی که به موسیقی علاقه‌ای ندارد و نسبت به رموز ان بی‌اطلاع است، با شنیدن موسیقی تنها در ذهنیات و خیالات خود غوته‌ور شده و خیال می کند که از موسیقی لذت برده است.

طرب نوع سوم، طربی معقول و مطابق با گرایش و فطری روح می‌باشد.

تأثیری که در خودش ظهور می کند، کسانی که دارای قریحه‌ای لطیف و ذوقی سرشار و روحیه‌ای ظریف هستند و اصولاً ـ و جوهره‌ی هیچ هنرمندی از این اوصاف مبرا نیست و بی آن نمی‌توان منشأ آثار هنر گردید.

۳ – طرب روحی

از آنجا که روح از لطافت و ظرافت خاصی برخوردار است، ظهور تاثیرات خارجی در روح سریعتر و قوی‌تر می‌باشد.

هنرمند چون در اوقات حضور و شهود خود منشأ آثار هنری می‌شود بی‌شک از این مرتبه‌ی عالی روح بهره‌مند است که ما آن را طرب روحی موسوم کردیم.

حزن و شادی روح یا طرب روحی، در لسان عرفا به قبض و بسط تعبیر شده است.

این نوع تاثر روحی، منشأ اثاری متناسب با روح می‌باشد.

تذکر و تفکر و توجه به باطن و حقیقت خلقت انسان و فلسفه‌ی وجودی او از اثار این نوع طرب است.

استماع الحان ملکوتی قرآن کریم که تداعی همان نغمات روحانی مزامیر داوودیست که حضرت امیرالمؤمنان عَلَیْهِ السَّلَام بالحن خوش ایلیای نبی به مناجات می‌پرداخت.

رسول اکرم صلی الله علیه و اله نیز می‌فرمود:

«اوتیت مزماراً من مزامیر داوود» با این تفاوتکه حضرت نبی با صوت داوودی نمی‌خواند. زیرا طبق انچه در روایات است هیچ شنونده‌ای طاقت و توان استماع آن را نداشت و حضرت کاری ما فوق طاقت دیگران انجام نمی‌داد.

یا چو داوود از خوشی نغمه‌ها جان پراندی سوی بستان خدا

امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام می‌فرمودند:

«علی بن الحسین عَلَيْهِ السَّلَام خوش آوازترین مردم در خواندن قرآ بود و سایان به هنگام عبور از کنار منزل وی، برای استماع الحان خوش او توقف می‌کردند به نوای ملکوتی قرآن گوش می‌دادند، چنان که سنگینی مشکهای خود را متوجه نمی شدند و برخی نیز (از فرط خوشی و طرب روحی) از هوش می‌رفتند. (۳۹)

۴ – طرب نفسی

اطراب نفسی، پس از تذکر و تحریک و تهییج حاصل می‌شود. اگر نفس تذک یافت، حزن و شادی حاصل از آن، نفسانی است. رقص و پایکوبی و بدن نمایی و دعوت به ظواهر جسمانی، صورت عینی شادی نفسانی است و حزن هم از متذکر شدن نفس به فقدان همان شادیها حاصل می‌شوود، فقدان و غربت از آمال و آرزوهای شهوانی و نفسانی عشقهای مجازی شکست خوردهف فراق و غربت از محبوبها و تمنیات از دست رفته و لذا وقتی که نفس در اثر حضور و حصول خوشیها تحریک می‌شود ف به جنبش در می‌آید و گاه به حد افراط و جنون و اضطراب درون می‌رسد. (۴۰)

۶ – معنای لهو

خلاصه‌ای از تعریف‌ها و واژه‌ی لهو و مشتقات آن:

در این بیانات که نسبت به واژه‌ی لهو و مشتقات دیگرش در این تعریفها هست در هر یک گوشه‌ای از ابعاد معنای آن را روشن کرده‌اند که خلاصه‌اش از این قرار است:

۱ – لهو آن است که از حالت جدی و واقعی به حالت هزل و شوخی می‌کشد.

۲ – و آن که دوام و بقاء ندارد، بلکه زودگذر است.

۳ – و از آخرت فراموشی می‌آورد و عاقبت اندیشی را از ذهن بیرون می‌برد.

۴ – نفس انسان را یک ترویح و خوشی می‌بخشد که غیر حکیمانه و غیر عقلایی است.

۵ – انسان را مشغول به چیز باطل و دروغین کرده و از حقایق واقعیات و حتی یاد آنها به کلی منصرف می‌کند.

این لغت با دقتهایی که علمای لغت در آن کرده‌اند دارای این چنین ابعادیست که هر یک از علمای ادبیات عرب به گوشه‌ای از آن توجه کرده‌اند.

(۴۱)

در کتاب جوامع الجامع در معنای لهو و لهو الحدیث چنان آمده است:

لهو: یعنی هر نوع باطلی که انسان را از کار خیر باز دارد و لهو الحدیث عبارت است از: طعنه زدن در حق و استهزای به آن و بیان خرافات و سخنان خنده آور و غنا و آلات موسیقی. (۴۲)

سخنان بزرگان پیرامون تعاریف واژه‌های موسیقی و غنا

در پایان این فصل شایسته است با برخی از سخنان بزرگان و مراجع و فقهای اسلام در تعریف این واژه‌ها آشنا شویم.

۱ – مرحوم سید در رساله‌ی وسیله این طور می‌فرماید:

غناء حرام است و گوش دادن به آن و کسب کردن به آن حرام است و تنها صدای خوب غناء نیست بلکه عبارت است از: کشیدن صدا و گردانیدن آواز در حلق به کیفیت مخصوصه‌ای که طرب آور و مناسب مجالس لهو و لعب و محفل اهل معصیت و طرب باشد و نیز با آلات موسیقی ملایم و موافق باشد.

(۴۳)

۲ – بین فقهای شیعه در حرام بودن غناء اختلافی نیست و اجماع و اتفاق ایشان در حرمت غناء مسلم است و صاحب مستند حرمت غناء را از جمله‌ی ضروریات دین دانسته و صاحب ایضاح اخبار وارده در حرمت غناء را به حد تواتر شمرده است.

بلی در معنی غناء و حقیقت آن مختصر اختلافیست و آنچه را که شیخ انصاری علیه الرحمه در معنی غناء بیان فرموده مورد تأیید و فتوای اکثر مراجع و علمای اعلام است.

غناء عبارتست از: آوازی که طرب آور بوده (یعنی بالقوه، هر چند بالفعل هم به سبب موانعی طرب آور نباشد) و مطابق با لحن فساق و فجار باشد و نیز مناسب با آلات موسیقی و رقص (مانند اقسام تصنیفها) باشد چنانچه در عرف آن را آواز پای تار، یا تنبک می‌گویند و از شنیدن آن جهت شهوت تحریک شده و شخص بالتذاذات شهوانیه مایل می‌شود. (۴۴)

۳ – موسیقی مطرب و لهوی آن است که به سبب ویژگی‌هایی که دارد انسان را از خداوند متعال و فضائل اخلاقی دور نموده و به سمت بی‌بند و باری و گناه سوق می‌دهد و مرجع تشخیص موضوع عرف است.

(۴۵)

موسیقی مطرب: معنای مطرب اینست که حالت غیر عادی از نظر وجد و نشاط به وجود آورد. (۴۶)

موسیقی به یک تعریف، ترکیب اصوات است به نحوی که خوش آیند باشد اگر مناسب مجالس لهو و لعب باشد حرام است و گر نه اشکالی ندارد. (۴۷)

۴ – آیت الله گلپایگانی رحمهٔ الله علیه در معنای غنا و حکم آن می‌فرمایند:

: غنا کشیدن صدا و دور دادن آن به کیفیت خاصه‌ی طرب آور است که مناسب با مجالس انس و طرب و موافق با آلات لهو ولعب است و خواندن به نحو غنا و گوش دادن به آن و تکسب به آن حرام است و فرقی نمی‌کند که همراه با آلات لهو خوانده شود یا نه و در کلام باطل استعمال شود یا در قرآن یا دعا یا مرثیه یا شعر. (۴۸)

مقام معظم رهبری (دامت برکاته) پیرامون غنا و موسیقی و موسیقی و اصیل و سنتی می‌فرمایند:

غنا خوانندگی مطرب و ملهی متناسب با مجالس عیش و نوش است و موسیقی نوازندگی با همان اوصاف است و در حکم با هم فرقی ندارند و هر دو حرام است.

آیت الله العظمی تبریزی رحمهٔ الله علیه: غنا (آوازه خوانی مناسب مجالس خوشگذرانی که از مضمون باطل باشد) گوش دادن به آن حرام است و بنا بر احتیاط واجب باید از مطلق خوانندگی که با ترجیع صوت و (چهچهه) است و لو در مضمون باطل نباشد اجتناب نمود و نیز موسیقی لهوی (نواختن با آلات مخصوصه که مناسب خوشگذرانی باشد) و گوش دادن به آن حرام است موسیقی ای که مناسب خوشگذرانی باشد حرام است و بین انواع آن فرقی نیست چه سنتی باشد یا غیر آن.

آیت الله العظمی فاضل لنکرانی رحمهٔ الله علیه: غنا: آوازیست که در آن صدا را در گلو می‌گردانند که بر زبان عربی چهچهه می‌گویند و طرب انگیز هم باشد و مناسب مجالس لهو و لعب هم باشد این حرام است و موسیقی به یک تعریف ترکیب اصوات است له نحوی که خوش آیند باشد لذا اگر مناسب مجالس لهو و لعب باشد حرام است.

(۴۹)

مستثنیات موسیقی و غنا

استثنائات از حرمت غناء در تاریخ

برای نشاط بخشیدن به هنگام انجام کارهای مشکل، آن گونه که در تاریخ اسلام در مسأله‌ی حفر خندق آمده یا اشعاری که «انجشه» به هنگام حرکت قافله به سوی مکه در حجه الوداع برای تحریک شتران می‌خوانده است؛ اما آنچه امروز در میان «صوفیه» معمول است که انواع آلات طرب را در این زمینه به کار می‌برند حرام است.

آنچه را قرطبی به صورت استثناء بیان کرده از قبیل: خواندن «حدی» (آواز مخصوص) برای شتران یا اشعار مخصوصی که مسلمانان با آهنگ به هنگام حفر خندق می‌خواندند، به احتمال قوی اصلاً غنا نبوده و نیست و شبیه اشعاریست که گروهی با آهنگ مخصوص در راهپیمایی‌ها یا مجالس جشن و عزاداری مذهبی می‌خوانند.

ذکر این نکته لازم است که گاه برای غنا دو معنی ذکر می‌شود:

«معنی عام» و «معنی خاص».

معنی خاص: یعنی آهنگ‌های تحریک شهوات و متناسب با مجالس فسق و فجور؛ ولی معنی عالم، هر گونه صورت زیباست و لذا آنها که غنا را به معنی عام تفسیر کرده‌اند بر آن دو قسم قائل شده‌اند؛ «غنای حلال» و «غنای حرام».

منظور از غنای حرام همان است که گفته شد و منظور از غنای حلال، صدای زیبا و خوشیست که مفسده انگیز نباشد و متناسب با مجالس فسق و فجور نگردد. (۵۰)

خوب خواندن و غناء دوتاست

در حدیث نشانه‌های نزدیکی قیامت می‌فرماید:

مردمانی می‌آیند که قرآن را برای منظور دنیوی یاد می‌گیرند و قرآن را مانند خواندن و نواختن در آلات موسیقی و به طرز غناء می‌خوانند.

(قال رسول الله صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم:

فعندها یکون اقوام یتعلمون القرآن لغیر الله و یتخذونه مزامیر و یتغننون بالقرآن) (۵۱)

احادیث وارده در استحباب نیکو خواندن قرآن (۵۲) منافاتی با حرمت غناء در قرآن ندارد زیرا مجرد تحسین صوت و کشیدن و یا ترجیع و گردانیدن صدا که آواز را نیکو گرداند غناء نیست چنان چه بیان گردید.

صدای خوب مانعی ندارد

ولی اگر تنها صدای خوب و کشانیدن و گردانیدن در حلق بدون کیفیت مزبور باشد (طرب آور نباشد) مانع ندارد. چنانچه رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم فرمود:

قرآن را با لحن و لهجه‌ی عرب بخوانید و از خواندن و لهجه‌ی اهل فسق و گناهان کبیره بپرهیزید، به درستی که مردمانی می‌آیند که در خواندن قرآن ترجیع می‌کنند مانند ترجیع غنایی (یعنی به کیفیت غناء قرآن را می‌خوانند) و مثل خواندن نوحه‌گر و رهبانیه (چنانچه بین نصارا متداول است) و قرآن از گلوی آنها نمی‌گذرد (یعنی مقصودشان تدبر در معانی قرآن نیست بلکه آواز خوانی است) دلهای ایشان و کسانی که کارشان را می‌پسندند وارونه و از حق کج است.

(۵۳)

غنا و موسیقی در مجلس عروسی زنانه

اشاره

متأسفانه در زمان حال که وسایل گناه و موسیقی پیشرفت کرده و تنوع خاصی در رنگارنگی بزهکاری‌ها مشاهده می‌شود، عده‌ای که می‌توان گفت کم هم نیستند، شب عروسی خویش را شب گناهان کبیره‌ای مانند:

ترانه خوانی، رقاصی و (... که گفتن و نوشتن، عرق شرم را بر چهره‌ی انسان می‌نشاند) به پایان می‌رسانند با این توجیه شیطانی که «یک شب هزار شب نمی‌شود و حال این که زمانی این کار، زشتی و قبح بیشتری به خود می‌گیرد که اکثر این افراد، شب عروسی خود را به اصطلاح برای تیمن و تبرک شب میلاد پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و سایر معصومین عَلَیْهِم‌ُالسَّلَام یا اعیاد مبارک و مقدس چون عید قربان، عید غدیر خم، شب میلاد مولی الموحدین امیرالمؤمنین علی عَلَیْهِ السَّلَام و مانند آن قرار می‌دهند و ان شب‌های پاک و با صفا را با گناهان مختلف و متنوع شب عروسی، ضایع می کنند.

پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم وقتی متولد شد.

بساط فساد، مظاهر فسق، فجور، ظلم و جور به لرزه افتاد، اینها در شب میلاد او بساط فسق بر پا می کنند.

جای بسی تأسف است که گاهی دیده می‌شود عده‌ای از انسان‌های متدین و نماز خوان، در مراسم عروسی خویش یا فرزندانشان نسبت به گناهان سهل انگاری و بی‌مبالاتی می‌نمایند و در مجلس خویش به بهانه‌ی این که «یک شب هزار شب نمی‌شود» موسیقی، آوازه خوانی، بی‌حجابی و ... را امری جایز می‌دانند. ای غافلان! اگر در همان لحظات عمرتان به پایان برسد و مرگتان فرا رسد در پیشگاه خداوند عز و جل چه جوابی دارید که بدهید؟ آیا نمی‌شود که مراسم عروسی را با شادی و خوشی به انجام رسانید و معصیت خدا را هم مرتکب نشد؟ برگزاری برنامه‌هایی چون مداحی و خواندن اشعار و اجرای نمایش و (... البته مباح و موافق شرع) از اموری هستند که می‌توان در مراسم شادی مورد استفاده قرار داد. این گونه برنامه‌ها ضمن این که مهمان‌ها را سرگرم و راضی می کند، سبب مسرت و شادی ایشان می گردد، گناهی هم صورت نمی گیرد.

اسلام حتی برای شب عروسی و زفاف آدابی را متذکر شده است، از جمله این که شب زفاف وقتی عروس و داماد در منزل خود جهت آغاز زندگی مشترک وارد شوند، وضو بگیرند و دو رکعت نماز شکر به جا آورند و به این وسیله از خداوند متعال، خیر و برکت را برای خویشتن مسألت نمایند و کام زندگی مشترکشان را با یاد خدا باز کنند؛ ولی متأسفانه غالباً کام زندگی مشترکشان با گناه بر داشته می‌شود که با این توصیف معلوم است که چه شب زفافی می‌شود و چگونه زندگی ای خواهد داشت. غفلت و بدبختی این چنین افرادی به حدی می‌رسد که دست به گناهان گوناگون و بزرگی می‌زنند و در عین حال مباهات و افتخار می کنند که گناه می کنند، چنان به عمل خویش مغرورند که در هنگام گناه انسانیت را به فراموشی می‌سپارند و متوجه نیستند که چه جنایت بزرگی را مرتکب می‌شوند به راستی چگونه می‌شود که آدمی گناه می‌کند و بر آن افتخار می‌کنند! (۵۴)

شرایط سه‌گانه:

عده‌ای از فقهاء غنا را در مجلس عروسی به سه شرط از موضوع حرمت غنا خارج کرده‌اند:

اول:

مرد، هر چند محرم باشد در آن مجلس نباشد.

دوم:

در خواندن نشان باطلی نگویند (دروغ و فحش)

سوم:

آلات لهو و وسایل موسیقی استعمال نکنند و نیز جمعی از فقهاء، استعمال دف (دایره) را در مجلس عروسی جایز دانسته‌اند و شهید و محقق ثانی فرموده‌اند به شرط آنکه حلقه نداشته باشد.
لیکن احتیاط در ترک هر دو است؛ یعنی استعمال آلات لهو حتی در مجلس عروسی و آواز خواندن زنان در مجلس مزبور حتی با اجتماع شرایط سه‌گانه مزبور باید ترک شود. (۵۵)

فصل سوم، آثار و عواقب غنا و موسیقی

اشاره

در این فصل می‌پردازیم آثار و عواقب موسیقی از دیدگاه دانشمندان و امراض و اثرات روحی و روانی غنا و موسیقی و بعد هم از دیدگاه دین در دنیا و آخرت می‌پردازیم.

کار اعصاب و تأثیر موسیقی بر آن

علمای علم فیزیولوژی دستگاه اعصاب انسان را به دو قسمت تقسیم کرده‌اند:
سلسله اعصاب ارتباطی و سلسله اعصاب نباتی.
سلسله اعصاب ارتباطی شامل ستون مرکزی اعصاب از نخاع گرفته، نیمکره‌های مغز و نیز اعصاب محیطی می‌باشد و سلسله اعصاب نباتی شامل سیستم سمپاتیک و پاراسماتیک می‌باشد.
سیستم اعصای سمپاتیک فقط از ابتدای ستون فقرات آغاز گردیده و دنباله‌ی آن به سایر اعضا پخش می گردد. اما سلسله اعصاب پاراسماتیک از مغز و دماغ شروع شده و بعد از ستون فقرات گذشته به موازی سمپاتیک به تمام بدن تقسیم می گردد. عمل سمپانیک عبارت است از تنگ کردن رگ‌ها، اتساع عضلات صاف، جلوگیری از ترشح، فشار خون و کار پاراسماتیک گشاد کردن رگ‌ها، انقباض عضلات صاف، ایجاد ترشح و تقلیل فشار خون می‌باشد.
پاراسماتیک پس از این که از دماغ و مخ جدا شده همینکه به سمپاتیک، یعنی همان اعصابی که از ستون فقرات شروع می‌شود مصادف شده از همان جا این دو عصب به موازات یکدیگر به تمام بدن دوش به دوش و همراه یکدیگر حرکت می کنند و چون اعمال این دو عصب مخالف یکدیگر است تا هنگامی که تحریکاتی از خارج بر آنها وارد نیاید و هر دو به موازات یکدیگر کار می کنند تعادل بدن را حفظ نموده و این تعادل در صحت و سلامی روحی و جسمی انسان مدخلیت تام دارد. ولی هر گاه یکی از این دو تعادل و توازن خود را از دست داد آن گاه به نسبت عدم تعادل هر یک اختلال روانی و کالبدی (روحی وجسمی) برای شخص ایجاد می‌نماید
کار حساسه‌ی اعصاب سمپاتیک ایجاد امور فعاله بدن است از قبیل بیداری و جدیت و فعالیت در کارها (که در اصطلاح طب قدیم، با صاحب آن را حرارتی مزاج و خون گرم می‌نامند). ولی کار حساسه‌ی اعصاب پاراسماتیک درست مخالف سمپاتیک است یعنی عمل آن ایجاد سستی، خواب، غفلت، سهو ونسیان، اندوه، حزن، بیهوشی، نزع و بالاخره مرگ است.
وقتی که از خارج تحریکانی در درون اعصاب شروع می‌شود اعصاب سمپاتیک یا پاراسماتیک به میزان تحریکات خارجی تعادل خود را از دست داده پایین یا بالا می‌روند، بدیهیست به هر اندازه که فاصله بین این دو سیستم اعصاب ایجاد شود به همان اندازه نگرانی‌های روانی، اغتشاشات فکری و خلاصه عدم تعادل روحی آغاز می‌شود.
از جمله علل تحریکات خارجی که عدم تعادل بین اعصاب سمپاتیک و پاراسماتیک ایجاد می کند ارتعاشات موسیقی است،

موسیقی وقتی که به آهنگ‌های نشاط انگیز یا نوارهای حزن انگیز و مخصوصاً اگر با ارتعاشات عجیب و غریب موسیقی (سمفونیک) همراه گردد، به طور مسلم تعادل لازمی را که بایستی بین دو دسته عصب «سمپاتیک و پاراسماتیک» وجود داشته باشد بر هم زده و در نتیجه اول حساس زندگی را اعم از هضم و جذب و

دفع و ترشحات و ضربات قلب و وضع فشار مایعات بدن از جمله خون و غیره را مختل ساخته و رفته رفته شخص را به گرفتاری‌ها و امراضی نزدیک می‌سازد که طب جدید با تمام پیشرفت‌های حیرت انگیز خود اغلب موارد از مطالب آن عاجز می‌ماند (۵۶)

و در صفحه ۶ می‌نگارد:

امراض مختلف روانی، اغتشاشات فکری، عدم تعادل روحی، انواع و اقسام دیوانگی‌ها، وفور سکته‌های قلبی و مغزی که در تمام دنیا روز به روز رو به فزونی است و فکر پزشکان بزرگ را به خود جلب نموده است، صدی نود پنج آنها نتیجه‌ی آثار همین تمدن شوم جدید است که قسمت حساس آن تعمیم موسیقی به وسیله رادیوها وازدیاد مجالس ساز و آواز و کنسرت می‌باشد.

در اثر ایجاد سر و صداها، کنسرت‌ها، موسیقی‌های گوناگون و فیلم‌ها و کاباره‌ها و دانسینگهاست که آمار دیوانگان و بیماران روانی را در تمام کشورها رو به ازدیاد رفته و هر روز بر شماره تیمارستان‌های کشورهای جهان مخصوصاً اروپا و آمریکا افزوده می‌شود.

در صفحه ۱۰ می‌نویسد:

ای کاش بشر می‌فهمید که استعمارگران به منظور تسلط بر اعصاب و نیروی فکری ملت‌ها چگونه از راه موسیقی و الکل در تحذیر و ضعف اعصاب و ایجاد اغتشاشات فکری و بیماریهای روانی فعالیت می‌کنند و ای کاش انسان عصر اتم به خود می‌آمد که برای ساعتی کیف و عیش و نوش چگونه نیروهای فعاله خویش را با دست خود در اختیار دشمنان خود گذاشته است.

پرفسور دانشگاه کلمبیا دکتر ولف آدلر ثابت کرد که بهترین و دلکش‌ترین نواهای موسیقی شوم‌ترین آثار را روی سلسله اعصاب انسان می‌بخشد مخصوصاً اگر هوا گرم باشد این تأثیر مخرب خیلی بیشتر می‌شود و در مناطق حاره چون عربستان و بعض نقاط ایران منتهای سوء اثر را دارد.

دکتر آدلر رساله مفصلی در بیان زیان‌های موسیقی منشر نموده و در آمریکا هزاران تن از مردم پیرو او شده و موسیقی را بر خود حرام نموده و لایحه مفصلی تهیه کرده و به مجلس سنای آمریکا تقدیم داشتند که برای نجات جامعه و جلوگیری از ضعف اعصاب که یکی از بدبختی‌های دنیای متمدن امروزیست لازم است هر گونه کنسرت عمومی قدغن گردد. (۵۷)

موسیقی موجب اخلال در دستگاه‌های مختلف بدن

اشاره

موسیقی با نواهای حزن انگیز خود گاهی آن چنان تعادل بین اعصاب سمپاتیک و پاراسماتیک را از بین می‌برد که اصول زندگی حیوان یعنی جذب، دفع، هضم، ترشحات و ضربان قلب، فشار خون مایعات دیگر را مختل ساخته و شخص را به امراض مختلفی نزدیک می‌کند.

آهنگ‌های شور انگیز موسیقی در اثر تحریک اعصاب نباتی گاهی آن چنان موجب اغتشاشات روانی شده که شخص را وادار به فعالیت‌های بی‌موقع و خوشی‌های ناگهانی، خنده‌های بی‌جا گفتن سخنان مسخره آمیز می‌نماید و در اثر ادامه‌ی این عمل ممکن است کم کم شخص به مرض‌هایی که نوعی از جنون است مبتلا گردد. (۵۸)

۱ - موسیقی مهمترین موجد ضعف اعصاب

مهمترین اثری که موسیقی در شنونده می‌گذارد همانا تولید ضعف اعصاب است و این موضوع به درجه‌ای دارای اهمیت است که دنیای ما را دچار وحشت نموده است.

زیرا ضعف اعصاب سرچشمه‌ی هر مرض و مهمترین عامل پیدایش هر گونه ناراحتی جسمی و روانی است.

ضعف اعصاب از امراض صعب العلاج روز است و ابتلای به آن از نظری خطرناکتر از مرض سل می‌باشد و اتفاقاً این مرض فوق العاده خطرناک در بین بسیاری از افراد در دنیای روز شایع گردیده و مخصوصاً در کشورهای غربی که آمار مبتلایان به امراض عصبی گاهی بیشتر از مرضهای دیگر است و شیوع این مرض خطرناک در سراسر جهان تا جاییست که کمتر کسی زا می‌توان یافت که هیچ درجه از ضعف اعصاب را دارا نباشد و بدین جهت مطالعات زیادی از طرف مجامع بزرگ پزشکی جهان روی این مرض و علل پیدایش آن به عمل آمده و در نتیجه یکی از بزرگترین عوامل این مرض خطرناک همانا اشاعه‌ی موسیقی و کنسرت تشخیص داده شده است و این نظریه مورد تأیید عده‌ی زیادی از دانشمندان اروپا و آمریکا واقع شده و بتدریج مورد تصدیق همگی گردید تا جایی که از طرف جمعی از روشنفکران و نویسندگان و دانشمندان آمریکا لایحه‌ای تنظیم و به مجلس سنای آمریکا تقدیم نموده تا دولت برای جلوگیری از امراضی که بر اثر موسیقی پدید می‌آید که خطرناک‌ترین آنها ضعف اعصاب است، از کنسرت و موسیقی‌های عمومی جلوگیری به عمل آورد. (۵۹)

۲ – موسیقی عامل ضعف اراده و توجه غیر طبیعی

یکی دیگر از آثار شوم موسیقی همانا تضعیف اراده و ایجاد توجه غیر طبیعی در شنونده است زیرا موسیقی در اثر کشش‌های صوتی و ارتعاش اصواتی که دارد یک حالت بهت زدگی و توجه غیر طبیعی در شنونده ایجاد می‌کند که به اعتراف دانشمندانعلم روانشناسی آثار مرموز را در دماغ و قوای مغز به جای می‌گذارد و آن اثری که از این حالت یعنی توجه غیر طبیعی محسوس است اینست که اراده تضعیف می‌گردد و شنونده‌ی موسیقی تمام قوای خود را گویا در گوش متمرکز کرده و هیچ یک از اعضای بدن او در آن حال گویا با اراده ی او حرکت نمی‌کند و لذا گاهی دست و پای شنونده طبق ارتعاشات صوتی و نواهای موسیقی بنای حرکت کردن را می‌گذارد و خلاصه یک رقص خفیف بدون اراده ی شنونده هم انجام می‌شود. (۶۰)

۳ – موسیقی عامل رکود

سومین اثر حتمی آهنگهای موسیقی ایجاد رکود فکریست تا جایی که به موسیقی سرپوش فکر لقب داده‌اند زیرا در اثر جذبه‌ی روحی که به شنونده‌ی موسیقی دست می‌دهد، چنان سکته‌ای برای مغز او رخ می‌دهد که اگر اولین متفکر باشد در آن حالت مغزش از اندیشه‌های کوتاهی هم دریغ نخواهد داشت و اگر اولین قاضی زبردست باشد در آن ساعت از قضاوت در حادثه‌ی کوچکی هم عاجز خواهد ماند. خلاصه به طور کلی آن گونه قوای دماغیش تحت تاثیر نواهای موسیقی قرار می‌گیرد که نمی‌تواند در مراحل علمی و معضلات اجتماعی افکار خود را به کار اندازد و لذا متفکرین بزرگ و گاهی دانشجویانی که زیاد با موسیقی سر و کار دارند در امور فکری، کند و در ریاضی در پس غافله‌اند.

(۶۱)

۴ – موسیقی عامل فشار خون

اثر چهارم موسیقی فشار خون است، پزشکی در اروپا ضمن تجسس از علل فشار خون که در دنیای جدید بسیار فراوان شده است بازوبند فشار خون را به بازو بسته و دگمه‌ی رادیو را باز و با گوش دادن به برنامه‌های مختلفه‌ی موسیقی به نتایج زیر رسید:

الف: هر قدر موسیقی نامطبوع و زننده باشد درجه‌ی فشار خود اضافه می‌شود و در موقع استماع صداهایی که موجب کسالت روح و ناراحتی می‌باشد بالا رفتن درجه‌ی فشار خون به حدی بود که پزشک را متوحش ساخت.
ب: قسمتی از برنامه‌های موسیقی هیچ گونه اثری را در شنونده به جای نگذارده و به اندازه‌ی پر قویی هم در او موثر نیست.
ج - برخی از موسیقی‌ها اثر آرام کننده داشته و تا مدتی که ادامه دارد فشار را از حد معمول پایین می‌آورد.
د:
بالاخره موسیقی چنان تأثیر در روی فشار خون پزشک داشت که به طور جدی سلامتی او را تهدید نمود. (۶۲)

۵ - موسیقی عامل دیوانگی

در بعضی از زندانهای روسیه که مخصوصاً در آنجا محکومین (نهلیست) را نگاه می‌دارند، شکنجه‌ای مرسوم است به نام (هومه اوپاتیک) مرسوم می‌باشد.
با این وضع در یکی از زندانها (ادسا) یک محکوم سیاسی را برای مدت شش ماه برای این که میهن پرستی بیاموزد! در معرض شنیدن موسیقی و نواهایی قرار دادند که سرود ملی روس را می‌نواخت ولی آن بیچاره پس از پنج ماه دیوانه شد.
(۶۳)

۶ - موسیقی عامل بزرگ اشاعه‌ی فحشاء

یکی از بزرگترین اثر سویی که شنیدن موسیقی در بردارد سوق دادن افراد مخصوصاً دختران و پسران جوان به طرف شهوت و تحریک و قوای حیوانی است و خلاصه دختر و پسر جوانی که ممکن بود قبل از شنیدن موسیقی تحت تأثیر شرم و حیا و عفت و یا عوامل دیگر اخلاقی قرار داشته و راضی به یک رشته کارهای ننگین شهوی و حیوانی نشوند چنان با شنیدن موسیقی ممکن است خود آماده‌ی ننکین‌ترین عملی گردند که ابداً گویا درسی از عار و ننگ و عفت و رشاد در زندگی نخوانده‌اند و تأثیر سوء موسیقی در این جهت بدرجه‌ایست که می‌توان گفت یک قسمت مهم از اشاعه‌ی فحشاء و تجاوزات بنوامیس در دنیای روز، مربوط به پخش نوارهای شوم و آهنگهای مهیج موسیقی است.
(۶۴)

۷ - موسیقی در هم شکننده‌ی عواطف

از آثار شوم نوارهای موسیقی در هم شکستن عواطف در شنونده است.
زیرا موسیقی عواطف را کم کرده و ممکن است آهسته آهسته از بین ببرد. زیاد تجربه گردیده است کسانی که حس محبت و عواطف انسانیت آنان به درجه‌ای فوق العاده بوده که با شنیدن کوچکترین منظره تأثیر انگیز متأثر می‌شدند. پس از شنیدن موسیقی به طور مداوم چنان عواطف خود را از دست داده‌اند که بزرگترین مناظر رقت بار و جگرخراش، کوچکترین تأثیری در آنها به جای نخواهد گذارد، البته هر قدر موسیقی بیشتر شنیده شود به همان درجه عواطف هم کم می‌گردد. اشتباه نشود گاهی ممکن است نوازندگان موسیقی با دیدن بعضی از مناظر بسیار کوچک دچار ناراحتی شدیدی گردیده و حتی گریه به خاطر ضعف شدید اراده ی آنها و از بین رفتن تعادل قوای آنان است و ضعف اراده و اعصاب را نباید با موضوع عاطفه اشتباه کرد. (۶۵)

۸ - کم کردن رغبت مطالعه

یکی از اثرات موسیقی، ایجاد حالت افسردگی و خمودگی است.
هر اندازه که موسیقی بر اعصاب مسلط شده باشد به همان اندازه روح کاهلی، افسردگی و خمودگی بر انسان مستولی خواهد شد، رغبت مطالعه را در انسان کم می‌کند، استعداد را ضعیف می‌کند و با توجه به تأثیرات عمیق و زیان بخشی که موسیقی روی مغز و اعصاب دارد، نبوغ فکری و استعداد فطری آنها را برای پیشرفت در تحصیل به کل از بین می‌برد.
موسیقی در اثر تسلط یافتن بر اعصاب و روان حالتی در شخص ایجاد می‌کند که انسان را به کلی از قضاوت‌های صحیح و اندیشه‌های درست باز داشته و گاهی همه چیز را در نظر او یکسان نمایش می‌دهد.

۹ – تضعیف بینایی

از نظر فیزیولوژی چشم؛ حرکت عضلات صاف چشم توسط دو دسته اعصاب سمپاتیک و پاراسمپاتیک صورت می گیرد.
وقتی تحریکات خارجی (موسیقی) تعادل بین این دو سیستم عصبی را به هم بزنند، در این صورت یکی از آثار شوم آن ضعف نیروی باصره خواهد بود.
(۶۶)

۱۰ – کوتاهی عمر

اشاره

معروف است دوران عمر طبیعی بشر ۱۲۰ سال است، ولی فیزیولوژیست‌ها و علمای وان شناس و زیست شناس و به و یژه متخصصان علوم روانی و اعصاب معتدند که بشر هرگاه در محیطی قرار بگیرد که از سر و صداها دور و روان و اعصابش از ناراحتی‌های گوناگون و پیش آمدهای ناگوار بر کنار و اعصاب او سالم بوده و بهداشت او دقیقاً مراعات گردد؛ طول عمر او به مراتب بیشتر از ۱۲۰ سال خواهد شد و حتی بهچند برابر این سن هم خواهد رسید. چنانچه اغلب جرایدعنوان کهنسالترین افراد و عصر حاضر کسانی را معرفی کرده‌اند که گاهی عمرشاننزدیک به دو قرن رسیده است.
(برای اطلاعات بیشتر درباره‌ی نام این افراد به کتاب تاثیر موسیقی بر اعصاب و روان مراجعه نمایید).

موسیقی دشمن سرسخت طول عمر است.

در کتاب تاثیر موسیقی بر اعصاب و روان از ص ۱۲۸ تا ص ۱۳۵ نام ۱۰۰ نفر از موسیقیدانان را آورده است که در سنین زیر ۶۰ سالگی از این دنیا کوچ کرده‌اند.
از بسیاری ار آیات قرآن کریم (۶۷) و روایات ائمه اطهار عَلَيْهِمُ‌السَّلَام استفاده می‌شوود که اعما ل خیر بر وسعت رزق و طول عمرمی افزاید. ولی کناه و لهو و لعب برکت را از بین خواهد برد و از عمر انسان می‌کاهد و چون موسیقی مطرب گناه محسوب می‌شود و معمولاً مروجین موسیقی با وضع نا مناسب و عمر کوتاه از دنیا رفته‌اند.
هم اکنون اسم‌های برخی از آنها همراه با مدت عمرشان ذکر خواهد شد.
۱ – مالی ران: استاد معروف موسیقی در حال خواندن آواز در سن ۲۷ سالگی سکته کرد.
۲ – پر گولوزی: نوازنده ایتالیایی در سن ۲۶ سالگی
۳ – بلینی: نوازنده ایتالیایی در سن ۳۴ سالگی

۴ – موریس ژوبر: نوازنده فرانسوی در سن ۴۰ سالگی

۵ – شوسون: نوازنده فرانسوی در سن ۳۰ سالگی

۶ – نیکلا دوگرینی: نوازنده فرانسوی در سن ۳۲ سالگی

۷ – ژاربیژه: نوازنده فرانسوی در سن ۳۷ سالگی

۸ – مندلس: نوازنده آلمانی در سن ۳۸ سالگی

۹ – هوگو ولف: نوازنده آلمانی در سن ۴۳ سالگی

۱۰ – ماکس رگر: نوازنده آلمانی در سن ۴۳ سالگی

۱۱ – موزارت: نوازنده اتریشی در سن ۳۵ سالگی

۱۲ – شوبرت: نوازنده اتریشی در سن ۳۱ سالگی

۱۳ – لانر: نوازنده اتریشی در سن ۴۲ سالگی

۱۴ – حبیب سماعی: نوازنده ایرانی در سن ۴۵ سالگی (۶۸)

همچنین نباید در این راستا، جنون یا سکته‌ی برخی از مشاهیر موسیقی را چون بتهوون، باخ، شومان، واگنر، شوپ، آرمسترانگ و ...را نادیده گرفت.

۱۱ – جنون و دیوانگی

در اثر فشار شدیدی که ارتعاشات و تحریکات خارجی موسیقی روانی روی اعصاب وارد می‌کند، قدرت اندیشه و فکر را از انسان می‌گیرد.

زیرا قوه‌ی اندیشه‌ی انسان در بین ارتعاشات موسیقی زندانی می‌گردد و به تدریج منجر به اغتشاشات فکری و نگرانی‌های روحی می‌شود جایی که موسیقی نیروی خِرد را فلج می‌کند و آثار جنون برای چنین افرادی پیش می‌آید.

ضرر موسیقی از دیدگاه دانشمندان جهان

اشاره

بر اساس نظر بسیاری از روان شناسان، موسیقی احساسات بشر را در مسیر غیر طبیعی و غیر عادی توسعه می‌دهد و انسان را در یک عالم ناخودآگاهی کامل فرو می‌برد و قوه‌ی خیالبافی غیرطبیعی و غیر واقعی را در انسان زیاد می‌کند.

موسیقی لذت نیست بلکه قوه‌ی خیال را تحریک می‌کند و انسان را از آن خیال‌های خود لذت می‌برد به خاطر آن که اگر چند نفر حتی یک موسیقی گوش دهند. لذتی که اینها از موسیقی می‌برند یک جور نیست و آن تخیلاتی که در آن فرو می‌روند یک شکل نیست؛ بلکه هر کس یک نوع لذتی می‌برد و در یک عالم خیالی سیر می‌کنند لذا می‌گویند اکثر بیماریهای روانی از همین جا شروع می‌شود که انسان در یک عالم گنگ فرو می‌رود که خود نمی‌تواند تعریف نماید. (۶۹)

واین که به نظر بعضی از دانشمندان در این مورد توجه فرمایید:

۱ – از عوامل سکته‌ی قلبی

دکتر اوریزن اسوت مارون می‌گوید:

«هیجان بزرگترین عامل سکته‌های قلبیست هنرمندان اغلب به علت سکته قلبی در گذشته اند از این بیان معلوم می‌شود هیجان حاصله از موسیقی تا چه حد خطرناک است.» (۷۰)

۲ – از عوامل سر درد

دکتر آرلوند فرید مانی (پزشک بیمارستان نیویورک و ریئس کلینیک سردرد): «او با کمک دستگاه‌های الکترونی، تعیین امواج مغز و تجربیاتی که در طی مراجعه هزاران بیمار به دست آورد ثابت کرده است که یکی از عوامل مهم خستگی‌های روحی و فکری و سردردهای عصبی، گوش دادن به موسیقی رادیوست مخصوصاً برای کسانی که به موسیقی آن دقت و توجه می‌کنند». (۷۱)

۳ – تأثیر بر روی جنین

دکتر ربرت (متخصص روانشناسی کودک در انگلیس) می‌گوید:

«اطفال در رحم مادر تحت تأثیر موسیقی قرار می‌گیرند و اگر مادر حامله به موسیقی گوش دهد ضربان قلب طفل در رحم زیاد می‌شود این حالت از ۶ ماهگی به بعد است» (۷۲)

۴ – فلج کردن روحیه

دکتر آلکسیس کارل (فیزیو لوژیست بزرگ فرانسوی) می‌گوید:

«ساز و آ و از و کنسرت‌ها و اتومبیل و ورزش نمی‌توانند جای فعالیت‌ها و کارهای سودمند اجتماعی را بگیرند. رادیو نیز مانند سینما و موزیکال، کاهلی کاملی به کسانی می‌بخشد که با آن سر گرمند. بدون شک الکلیسم کاگران ما را از پادر می‌آورند و سر و صدا ی رادیو، سینما و ورزش نا مناسب روحیه‌ی فرزندان ما را فلج می‌کند.» (۷۳)

۵ – خستگی شدید سلسله اعصاب

دکتر ولف آدلر (پرفسور دانشگاه کلمبیا) می‌گوید:

«موسیقی علاوه بر این که سلسله اعصاب ما را در اثر جلب دقت خارج از طبیعی آن، سخت خسته می‌کند، عمل ارتعاش صوتی که موسیقی انجام می‌شود تولید تعرض خارج از حد طبیعی در جلد می‌نماید که بسیار زیانمند است». (۷۴)

۶ – رقص بدون اراده

دانشمندان روانشناسی در مورد موسیقی می‌گویند): موسیقی) آثار مرموزی را در دماغ و قوای مغز به جای می‌گذارد و آن اثری که از این حالت یعنی توجه غیر طبیعی محسوس است اینست که اراده تضعیف می‌گردد و شنونده‌ی موسیقی تمام قوای غدد را گویا در گوش متمرکز کرده و هیچ یک از اعضای بدن او در آن حال با اراده ی او حرکت نمی‌کند، لذا گاهی دست و پای شنونده طبق ارتعاشات صوتی ونواهای موسیقی بنای حرکت کردن را می‌گذارد و خلاصه یک رقص خفیف بدون اراده ی شنونده انجام می‌شود. (۷۵)

۷ – از عوامل فشار خون

جمعی از روان شناسان آلمانی ثابت کرده‌اند که موسیقی فشار خون را بالا و پایین می‌برد.

یک پزشک اروپایی ضمن تجسس از علل فشار خون که در دنیای جدید بسیار فراوان شده است بازوبند فشار خون را به بازو بسته و دگمه‌ی رادیو را باز و با گوش دادن به برنامه‌های مختلفه‌ی موسیقی به نتایج زیر رسید:

الف: هر قدر موسیقی نامطبوع و زننده باشد درجه‌ی فشار خود اضافه می‌شود و در موقع استماع صداهایی که موجب کسالت روح و ناراحتی می‌باشد بالا رفتن درجه‌ی فشار خون به حدی بود که پزشک را متوحش ساخت.

ب - برخی از موسیقی‌ها اثر آرام کننده داشته و تا مدتی که ادامه دارد فشار را از حد معمول پایین می‌آورد.

ج: بالاخره موسیقی چنان تأثیر در روی فشار خون پزشک داشت که به طور جدی سلامتی او را تهدید نمود. (۷۶)

ضررهای موسیقی از دیدگاه محمد تقی جعفری رحمهٔ الله علیه

۱ - ایجاد عدم تعادل و توازن بین اعصا ب سمپاتیک و پاراسماتیک (۷۷)

۲ - مرض مانی (Maniae) نوعی جنون است که درجات متعددی دارد

۳ - مرض سیکلموتی (۷۸) (Cyclothmie)

۴ - کوتاهی عمر

۵ - مرض پارانو (۷۹) (Paranoia)

۶ - ضعف اعصاب

۷ - اختلالات دماغی (اغتساسات مغزی، هیجانات روحی – جنون)

۸ - تأثیرات قلبی

۹ - واسطه انتحار و خود کشی

۱۰ - بیماری فشار خون

۱۱ - عامل فحشا

۱۲ - تضعیف و تضییع حس شنوایی (سامعه)

۱۳ - تضعیف و تضییع حس بینایی (باصره)

۱۴ - هیجان

۱۵ سلب اراده و شکست شخصیت

۱۶ - سلب غیرت

۱۷ - عامل جنایت

۱۸ - جلب توجه غیر طبیعی

۱۹ - از دست دادن نیروی فکری

۲۰ - تضییع نیروی قضاوت

۲۱ - افسردگی و خمودگی

۲۲ - تهییج عشق (۸۰)

۲۳ - شکست عمر و جوان مرگی

۲۴ - زنجیر بردگی

۲۵ - روش لغو

۲۶ – اتلاف وقت (۸۱)

دیگر امراض موسیقی عبارتند از:

۱ – غافل کردن از مقدرات

امام خمینی رحمهٔ الله علیه در مورد موسیقی می‌فرماید:
...«از جمله چیزهایی که مغزهای باز جوان‌ها را مخدر و تخدیر می‌کند موسیقی است.
موسیقی اسباب این می‌شود که مغز انسان وقتی چند وقت به موسیقی گوش کرد، تبدیل می‌شود به یک مغز غیر آن کسی که جدی باشد، انسان را از جدیت بیرون می‌کند و متوجه جهات دیگر می‌کند.
تمام این وسایلی که در هر مملکتی رواج دارد، همه برای اینست که ملت خود را از مقدرات خودشان غافل کنند». (۸۲)

۲ – بیرون آوردن از جدیت

اشاره

...«موسیقی از اموریست که البته هر کسی بر حسب طبع، خوشش می‌آید لکن از اموریست که انسان را از جدیت بیرون می‌برد و به یک مطلب هزل می‌کشاند. دیگر یک جوان که عادت کرده روزی چند ساعت با موسیقی سر و کار داشته باشد و اکثر اوقاتش را صرف بکند و پای موسیقی بنشیند و اینها، از مسائل زندگی و از مسائل جدی به طور کلی غافل می‌شود، عادت می‌کند، همان طور که به مواد مخدر عادت می‌کند دیگر نمی‌تواند یک انسان جدی باشد که بتواند در مسائل سیاسی فکر بکند، فکر انسان را موسیقی طوری بار می‌آورد که دیگر انسان نتواند در غیر هما ن محیط مربوط به شهوت و موسیقی فکر بکند». (۸۳)

دو داستان زیبا و عبرت آموز

الف:

اصفهانی می‌گوید:
یزید بن عبدالملک معبر خواننده را احضار کرد. معبر ترانه‌ای خواند که خلیفه را به طرب آورد و فریاد زد:
احسنت. پدر و مادرم فدایت.
دوباره معبر همان ترانه را تکرار کرد و یزید نیز گفته خود را تکرار کرد. لحظاتی بعد یزید از خود بی‌خود شد و به کنیزانش گفت:
هر کار من کردم شما هم بکنید، سپس به دورخانه می‌چرخید و کنیزان نیز می‌چرخیدند و چنین می‌خواند:
ای خانه مرا بچرخان و ای زمان مرا آرام کن! ای معشوقه من مرا رها نکن و به خاطر خدا به من رحم کن و سوگندت را فراموش نکن.
یزید آنقدر همانند کودکان به دور خانه گردید، تا بی‌حال بر روی زمین افتاد. غلامان و کنیزان به سویش رفتند و او را به اندرون بردند. (۸۴)
چقدر زشت و ناپسند است که خلیفه‌ای زمام امور را به دست دارد، در برابر خواننده‌ای این گونه به گرد خانه بچرخد و کنیزان و

حضار او را به باد سخره واستهزاء بگیرند.

ب:

مورخین پیرامون یزید بن ولید نیز نقل کرده‌اند:
هنگـامی که یزیـد به خلافـت رسـید نـامه‌ای به والی خودش در مـدینه نوشت و از او خواست که خواننـده‌ای به نام «عطرد» را نزد او بفرستد خود عطرد چنین می گوید:
بر یزیـد وارد شدم در حالی که در برابرش ظرف زیبایی قرار داشت که لبالب از شـراب بود و مردی آن را در پیمانه می کرد. به خدا سوگند همین که به او سلام کردم گفت:
آیا تو عطرد هستی؟ گفتم:
آری ای امیرالمؤمنین.
گفت:
ای اباهارون (لقب عطرد) به دیدار تو علاقه‌مند بودم برایم بخوان.
برایش خوانـدم به خـدا سوگنـد هنوز برنامه‌ام تمام نشـده بود که ردائش را در آورد و خود را درون تشت شـراب انـداخت و ن قدر نوشـید که عقلش زایل شـد هنگامی که بیرون آمد، همانند دیوانه‌ای شده بود که عربده می کشـید. من آن رداء را برداشـتم و بیرون آمدم.
فردای آن روز نیز یزیـد مراحضـار کرد و مـن نیز برایش ترانـه‌ای خوانـدم. یزیـد نیز ردایش کـه بر روی آن شـیء همچـون طلا می‌درخشید را به کناری افکنـد، سپس خود را درون تشت افکنـد و از روز گذشـته بیشتر نوشـید و سـپس همانند مرده‌ای مست در حالی که فریاد می‌کشید بیرون آمد و به خواب رفت و من نیز جامه را برداشتم و بیرون آمدم. (۸۵)
این در حـالیست که در مجلس غنـاء، دلقکـان و بـازیگران نیز حاضـر می‌شدنـد و گویـا این افراد نیز در شـکوه این مجالس نقش به سزایی داشتند. یکی از این افراد اشعث بود.
گفته‌اند:
ولید بن یزید او را احضار کرد و به او لباسی از پوست میمون پوشاند و دُمی بر آن آویزان کرد و به او گفت:
برقص و بخوان. (۸۶)

۳ – مریض شدن مغز

«یک مغزی اگر دنبال این رفت که موسیقی گوش کنـد، این مغز مریض می‌شود، این نمی‌توانـد فکر بکند که کشورش به چه حال دارد می گذرد، دیگر دنبال این نیست، مثل آدم هروئینی می‌ماند» (... ۸۷)

نظر برخی از نوابغ جهان در مورد موسیقی

۱ – و یکتور هوگو (نویسنده مشهور فرانسه):

«علت این که ما از موسیقی خوشمان می‌آید اینست که در عالم خیال‌ها و رویاها فرو می‌رویم» (۸۸)

۲ – آرون کوپلند:

«موسیقی انسان را از عالم اصوات بیرون می‌برد و به یک دنیای خیالی ورؤیایی می‌راند.» (۸۹)

۳ – لئون تولستوی (نویسنده روسی):

«موسیقی محصول احساسات و هدف احوال نفسانی و عواطف انسانی است». (۹۰)

۴ هگل (فیلسوف مشهور فرانسوی):

«ذکر و عبادت مسلمانان در معابد بی‌آلایش خود فکر می‌آورد و دعای (مسیحیان) کلیسا با عربده‌ی ناقوس و نقش و نگار در و دیوار، تشویش خاطر و انصراف ناظر.» (۹۱)

۵ – کانت (فیلسوف آلمانی):

«موسیقی اگر از همه‌ی موسیقی‌ها مطبوع‌تر باشد ولی چون به بشر چیزی نمی‌آموزد از تمام هنرها پست‌تر است». (۹۲)

۶ – ویلیام جیمز:

ممکن است خداوند از گناهان و گناه موسیقی ما بگذرد؛ ولی ضعف اعصاب دست از سر ما بر نمی‌دارد.

نمونه‌های واقعی از تأثیر موسیقی

اشاره

برای این که بتوان به روشنی، حوادثی را که در زیر آورده شده درک کرد، تأثیر زدن یک وسیله‌ی موسیقی را به سه روش متفاوت در نمونه‌ی زیر می‌خوانیم.

حال با این مثال به نمونه‌های واقعی زیر دقت کنید:

حکایت ابونصر فارابی در مجلس سیف الدوله

در اینجا بد نیست داستان حکیم و فیلسوف مسلمان شیعی، معلم ثانی، شیخ ابونصر فارابی را که در همه‌ی علوم، مجتهد و مبتکر و از جمله موسیقی دان نیز بوده بشنوید.

روزی در لباس ترک‌ها قبل از آنکه کسی او را شناسایی کند به مجلس سلطان سیف الدوله وارد شد و مجلس او محل اجتماع دانشمندان بود.

فارابی (۹۳) از میان جمعیّت حاضرین عبور کرد تا به مسند خودِ سیف الدوله رسید و با همان لغت و زبان ساختگی مخصوصی که سیف الدوله با خواص درباریان سخنان خصوصی می گفت سخن گفت، سپس از چنته‌ی خود یک عودی در آورد و تارهای آن را منظم کرده و بنواخت که از آن همه‌ی اهل مجلس به خنده در آمدند، سپس تارهای آن را طور دیگری تنظیم کرد و بنواخت که از آن همه‌ی اهل مجلس به گریه در آمدند، سپس تارهای آن را به شکل دیگر تنظیم کرد و بنواخت که از آن همه‌ی اهل مجلس به خواب رفتند و در حال واب مجلس را ترک کرد و از آنجا خارج شد.

(۹۴)

در این قضیه ملاحظه می‌کنید یک موسیقی دان موسیقی نواز در مجلس سلطان و حاکم بر ممالک اسلامی و جمعیّتی از دانشمندان چگونه روحیه‌ی همه را تحت سیطره‌ی خویش در آورد و ساعتی آنها را به هر شکلی خواست ساخت و به هر عالمی از تخیلات مورد نظرش به حرکت برد و غرق در آن نمود. این نمونه‌ی از سازندگی عمیق و موثر موسیقیست و سایر اقسام آن نیز به همین طریق و همگی جز به پرواز در آوردن روح در فضای اوهام درونی چیز دیگری نیست.

آیا این هنر عمیق مؤثر نباید مؤکّداً و عمیقاً تحریم شود؟

موضوع قدرت نمایی یک موسیقی نواز بر روحیه‌ی حاکمان و سلاطین و خلفاء و فرمانفرمایان ممالک، چیز کوچکی نیست، آنها با چیره شدن بر روحیه‌های آن حاکمانِ صاحب قدرت، بر سرنوشت میلیون‌ها انسان چیره خواهند شد و بالاتر از آن هنگامی که وسایل انتقال صوت و امواج رادیویی و تلویزیونی به دست آنها قرار گیرد و همچنین مردم عادت به این نوع چیزها پیدا کنند.

شما در فعالیت‌های مطربان و موسیقی دانان در دربارهای خلفاء و سلاطین که برخی از داستان‌های آنها را ذکر نمودیم تامل و دقت کنید و اثر سوء آن را در سرنوشت ملت بیچاره فکر کنید و بیندیشید که آیا این هنر مؤثر، مثبت، عمیق باید حرام باشد یا حلال؟

(۹۵)

۱ - مجله روشنفکر درباره‌ی یک کنسرت موسیقی می‌نویسد:

...وقتی دخترها و پسرها آهنگ‌های تندرو، رعشه انگیزشان را مترنم می‌سازند سالن به لرزه می‌افتد، دخترها جیغ می‌کشند، به سر و گوش هم مشت می‌کوبند، غش می‌کنند، موهای خود را چنگ چنگ می‌سازند و پسرها از هوش می‌روند. همه‌ی اینها در تأثیر آهنگ‌های موسیقی در آنها است.

(۹۶)

۲ - در جریان کنسرت پر شر وشور گرووه موزیک (ولینک استونر) مردی از شدت هیجان برهنه شد و با حالت جنون آمیز بر سر و کول انبوه خلایق به راه افتاد که توسط پلیس دستگیر شد.

(۹۷)

۳ - چندی پیش (براون) خواننده انگلیسی ضمن اجرا ی برنامه‌ای در فستیول موسیقی پوپ تمام لباس‌هایش را از تن بیرون آورد و در برابر جمعیّتی بیش از ۱۵۰۰۰ نفر برنامه اجرا کرد. ابتدا پیراهنش را در آورد و چون تماشاگران به هیجان آمدند وی هنگام خواندن آواز به کلی لخت وعریان شد و به خواندن و رقصیدن پرداخت. در این موقع افراد پلیس خود را به صحنه رساندند و به خواننده عریان را دستگیر کردند.

(۹۸)

۴ - در ملبورن ۵۰۰۰۰ (پنجاه هزار) نفر بعد از گوش دادن به کنسرت موسیقی چنان آنها را به هیجان آورد ناگهان همه به هم ریختند و بدون جهت یکدیگر را زخمی و مصدوم کردند تا پلیس خود را رساند چند نفر به ضرب چاقو از پای در آمدند و به چند دختر تجاوز شد و تعداد زیادی مجروح شدند. (۹۹)

۵ - در ایالت لتیل راک خانم ۶۴ ساله‌ای به نام نیکیام به جوانی پیانو می‌آموخت نغمات موسیقی چنان در روح جوان هیجان ایجاد کرد که بدون دلیل از جا برخاست و با ۱۹ ضربه چاقو معلم موسیقی خود را از پای در آورد. (۱۰۰)

۶ - در یک کنسرت موسیقی به دسته ای از جوانان برای اولین بار (هیستری (یک نوع بیماری روحی) دست داد. آنها پس از برنامه پیتلها به خیابان‌ها ریختند. اتومبیل‌ها را به آتش زدند، شیشه مغازه‌ها را شکستند و مغازه‌ها را غارت کردند و تعداد ۳۱۵ نفر از آنها از فرط هیجان غش کرده و به بیمارستان انتقال داده شدند. (۱۰۱)

تقاضای ممنوعیت موسیقی در غرب

کسانی که عمری به دنبال ترویج موسیقی بوده‌اند امروز از عمل خویش پشیمان شده‌اند.

بر همین اساس تقاضای ممنوعیت آن را نموده‌اند.

مجله صبح در این مورد می‌نویسد:

«گروهی از والدین نوجوانان، ضمن طوماری ار کنگره‌ی آمریکا خواستند تا موسیقی «راك» و «رپ» را غیر قانونی اعلام کنند زیرا باعث از بین رفتن بچه‌های آنها می‌شود.

یکی از افراد به شبکه‌ی بی‌بی‌سی گفت که: پسر او تحت تأثیر یکی از آهنگ‌های (رپ) قرا ر گرفته که خود کشی را تبلیغ می‌کند و یك پزشك نیز گفت که گوش دادن به این آهنگ‌ها باعث تضعیف حس شنوایی می‌شود. (۱۰۲)

نظر خواننده‌ی مشهور ایتالیایی درباره‌ی موسیقی

فرانکو باتیاتو یکی از خوانندگان مشهور ایتالیایی که موسیقی (راك) را رها کرده است طی اظهار نظری در مورد موسیقی راك گفت:

انسان کافیست پیام‌های برخی گروه‌های راك را گوش دهد تا شیطان پرست شود. وی افزود:

بسیاری از گروه‌های راك دچار نوعی تشنج رفتاری شده و پیا م‌های شیطانی را در موسیقی خود وارد می‌کنند. در چهان امروز واقعیت‌ها با حماقت و بی‌کفایتی اعلام می‌شود و لذا جوانان را باید مطلع کرد.

او که به عارف مو سیقی ایتالیایی مشهور شده است در حال حاضر طرفداران زیادی دارد. باتیوتا تنها خواننده‌ی غربیست که برای پاپ رهبر کلیسای کاتولیك واتیکان آواز خوانده است.

(۱۰۳)

رئیس انجمن شهر کوتابارو مرکز ایالت کلانتان مالزی رقص و آواز را ممنوع کرد. ایشان گفت:

مقامات دولتی معتقدند:

رقص و آواز منجر به رفتارهای غیر اخلاقی می‌شود. (۱۰۴)

ضررهای موسیقی بر آب

تحقیقاتی را که یك محقق ژاپنی پیرامون این مسأله (ضررهای موسیقی بر آب) نموده را بررسی می‌نماییم. البته تحقیقات او وسیع است و ما فقط بخشی از تخقیقات و پژوهشهای موسیقی آن را ك از مجله سروش جوان برای شما انتخاب شده، خدمت شما عزیزان ارائه می‌نماییم.

این تحقیقات پیرامون آب و اثرات مختلفی که از اطراف خود می‌گیرد می‌باشد.

این محقق ژاپنی به نام «ماساروایی موتو» دید تازه‌ای نسبت به آب پیدا کرده که این چنین بیان می‌کند:

آب برای ما انسانها پیام بسیار مهمی دارد، آب به ما می‌گوید:

نگاه بسیار عمیق تری به خود بیندازیم.

اگر در آیینه آب به خودمان نگاه کنیم پیامش را با شفافیت و وضوح شگفت انگیزی در خواهیم یافت. می‌دانیم که حیات بشر با کیفیت آب ارتباط مستقیم دارد. چه آبی که درون بدن ماست و چه آبی که اطراف ما را احاطه نموده است.

«ایی موتو» یافته‌های خود را در کتاب بسیار مهمی منتشر کرده که نتیجه‌ی پژوهش‌های وی در سطح بین المللی است.
آقای ایی موتو با استفاده از مدارک مبتنی بر واقعیات نشان می‌دهد که نیروهای ارتعاش انشان مثل افکار، کلام، تصورات و موسیقی بر ساختار مولکولی آب اثر می‌گذارد. توجه شما را به این مطلب جلب می‌کنم که: بدن ما از هفتاد در صد آب تشکیل یافته و همین میزان از سطح زمین را نیز تشکیل می‌دهد. آب سرچشمه حیات در کره ماست کیفیت و سلامت آن برای هر یک از اشکال حیات بی‌اندازه مهم است.
بدن انسان شباهت زیادی به یک اسفنج دارد که از تریلیاردها حفره به نام سلول تشکیل شه که مایعات را درخود نگه می‌دارد. ارتباط کیفیت زندگی ما با کیفیت آب در بدنمان کاملاً مستقیم است.
آب مایعیست بسیار انعطاف پذیر، شکل فیزیکی خود را با هر محیطی که در آن قرار بگیرد وفق می‌دهد، اما علاوه بر ظاهر فیزیکی شکل مولکولی آب هم تغییر می‌کند.
انرژی یا ارتعاشات محیط باعث تغییر شکل مولکولی آب می‌شود، از اینظر آب نه تنها قابلیت بازتاباندن محیط را دارد - آن هم به طرزی که می‌بینیم – بلکه محیط خود را در سطح مولکولی هم انعکاس می‌دهد. آقای «ایی موتو» با به کار گیری یک شیوه خاص عکس برداری، تغییرات مولکولی آب را برای ما قابل رؤیتنموده. او قطره‌های آب را منجمد می‌کند، سپس آنها را در زیر میکروسکوپی که زمینه تیره رنگ و قابلیت عکسبرداری دارد، مورد مطالعه قرار می‌دهد. کار او تنوع شاختاری مولکول آب و تاثیر محیط را بر روی آن به روشنی نشان می‌دهد. آقای ایی موتو تصمیم گرفت تأثیر موسیقی را در شکل گیری بلورهای آب مورد مطالعه قرار دهد. شیشه آب مقطر را بین دو بلندگو قرار داد و برای آن چند ساعت موسیقی پخش کرد، صبح روز بعد آب را منجمد نموده و از بلورها عکس گرفت؛ عکس‌ها تأثیر بازتابهای حیرت انگیز آب را مورد توجه او قرار داد، او وقتی موسیقی هوی متال - که ازموسیقی‌های پر ارتعاش است - برای آب پخش کرد و از بلورهای آب عکس گرفت متوجه شد که بلورهای آب شکسته شده‌اند و شکل منظمی که بلورهای آب داشته از بین رفته و نابود شده است.
(۱۰۵)
حال شما دقت بفرمایید بدن ما که از ۷۰ در صد آب تشکیل شده و در تمامی سلولهای ما نیز وجود دارد، وقتی موسیقی‌های مبتذل و طرب آور با آن برخورد کند روی آنها چه تأثیرات مخرب و نابود کننده‌ای خواهد گذاشت؟ دیگر قضاوت و داوری را به عهده‌ی فکر باز و شکوفای خودتان می‌گذاریم که انشاء الله با فهم و اندیشه والای خود تصمیم زیبایی نسبت به این دستور شرع مقدس اسلام بگیرید.

الف: موسیقی و غناء از منظر دین

بررسی عواقب غنا و موسیقی

اشاره

استعمار گران جهان همیشه از بیداری مردم مخصوصاً نسل جوان، وحشت داشته‌اند؛ به همین دلیل بخشی از برنامه‌های گسترده‌ی آنها برای ادامه‌ی استعمار، فرو بردن جامعه‌ها در غفلت، بی‌خبری، ناآگاهی و گسترش انواع سرگرمی‌های ناسالم است.
امروزه مواد مخدر، تنها جنبه‌ی تجارتی ندارد، بلکه یک ابزار مهم سیاسی؛ یعنی سیاست‌های استعماری است.
ایجاد مراکز فحشاء، کلوپ‌های قمار و همچنین سرگرمی‌های ناسالم دیگر و از جمله توسعه‌ی غنا و موسیقی، یکی از مهم‌ترین ابزاریست که آنها برای تحذیر افکار مردم بر آن اصرار دارند و به همین دلیل قسمت عمده‌ی وقت رادیوهای جهان را موسیقی

تشکیل می‌دهد و از برنامه‌ی عمده‌ی وسایل ارتباط جمعی همین موضوع است.
حال به عواقب آن در دوران زندگی در این جهان که همان هدف استعمار گران است از دیدگاه روایات می‌پردازیم.

الف: آثار وخیم آن در دنیا

۱: مرگ ناگهانی و قبول نشدن دعا

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:
خانه‌ای که در آن غنا باشد از مرگ و مصیبت دردناک ایمن نیست و دعا در آن به اجابت نمی‌رسد و فرشتگان وارد آن نمی‌شوند. (۱۰۶)

۲: سبب نفاق

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:
نواختن موسیقی (مثل تار و) ... نفاق را در دل می‌رویاند همان طوری که آب سبزه را می‌رویاند. (۱۰۷)

۳: عامل زنا

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم فرمود:
«الْغِنَاءُ رُقْيَةُ الزِّنَا»
غنا و (موسیقی) کاریست که انسان را به زنا می‌کشاند. (۱۰۸)
و در حدیث دیگری آمده است که:
از غناء و موسیقی دوری کنید زیرا موسیقی حیاء را از بین می‌برد و سبب زیاد شدن غریزه جنسی می‌شود، مردانگی را نابود می‌سازد و هر کاری که شراب می‌کند موسیقی هم انجام می‌دهد و اگر مبتلا به موسیقی شدید از زنان بپرهیزید برای آن که موسیقی و غناء انسان را به زنا می‌کشاند. (۱۰۹)

۴ – بدبختی جامعه

از امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام روایت شده است:
«لَا يُقَدِّسُ اللَّهُ أُمَّةً فِيهَا بَرْبَطٌ يُقَعْقِعُ»
پاک و سعادتمند نمی‌شوند ملتی که در میان آنان بربط (که یکی از آلات موسیقی می‌باشد) به صدا در آید. (۱۱۰)

۵ – ناسپاسی از حق تعالی

امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:
کسی را که خداوند سبحان نعمتی به او عطا کند و او در اثر نعمت به وسایل آواز خوانی و موسیقی رو کند با این عملش ناسپاسی حق تعالی را مرتکب شده و همچنین کسی که مصیبتی (برای امتحان و) ... به او برسد و آه و ناله کند او هم کفران نعمت نموده است.
(۱۱۱)

۶ – بی‌تفاوت شدن نسبت به ناموس

امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:
به شیطان قفندر (بد قیافه) گفته می‌شود زمانی که در خانه کسی چهل روز با وسایل موسیقی (چون تار بنوازد) و مردان و زنان در آن مجلس باطل گرد آیند شیطان تمام اعضای بدن صاحبخانه را لمس می‌کند (به طوری که چشم و گوش، زبان و سا یر اعضایش در مسیر و فرمان شیطان و گناه قرار می‌گیرند) بعد از آن برای این که کاملاً او را در زشتی و ظلمت غرق کند نفسی شیطانی در او می‌دمد که بعد از آن غیرت را از دست می‌دهد آن چنان که نسبت به رابطه نا مشروع دیگران با همسرش بی‌تفاوت می‌شود. (۱۱۲)

۷ – رفتن برکت

حضرت محمد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم فرمود:
فرشتگان به خانه‌ای که شراب و وسایل موسیقی و قمار (مثل دایره، طنبور، نرد) در آن باشد وارد نمی‌شوند و دعای اهل خانه مستجاب نمی‌گردد، خیر و برکت هم از آنجا می‌رود. (۱۱۳)

۸ – موسیقی علنی در آخرالزمان

در کتاب مهدی منتظر نوشته‌ی حاج شیخ محمد جواد خراسانی رحمهُ الله علیه در مورد حوادث و وقایعی که در دوران غیبت و نزدیک ظهور حضرت مهدی رخ می‌دهد چنین می‌خوانیم:
در این زمان مردم غنا و آوازه را دوست دارند.
رقص و طرب و غنا را حلال می‌شمرند.
آلات ساز و آواز ظاهر می‌شود.
تار و طنبور زنی را مستحسن شمارند و نیکو بیاموزند.
زن‌های آوازه خوان و رقاصه آشکار می‌شوند.
زن‌های آوازه خوان و آلات آواز برای خود اتخاذ کنند.
لهو و آلات لهو ظاهر شود، عابرین بروی بگذرند و احدی، احدی را منع نکند.
برای غنا و آوازه مالها، خرج می‌کنند.
همچنین آلات غنا و موسیقی در حرمین (مکه و مدینه) ظاهر می‌شود. (۱۱۴)

۹ – زبان حال موسیقی

نقل شده است که: حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَام دید مردی طنبور می‌زد.
حضرت او را از این کار باز داشت و حتی طنبور را گرفت و شکست. سپس او را نصیحت فرمود و او توبه کرد. آن گاه حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَام به او فرمود:
آیا می‌دانی طنبور هنگامی که به صدا در می‌آید چه می گوید؟
مرد عرض کرد:
وصی رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم داناتر است.
حضرت فرمود:
طنبور هنگام نواختنش می گوید:
سَتَنِدمُ سَتَندِمُ أیا صاحِبی سَتَدخُلُ جَهَنَّمَ أیا ضارِبی
به زودی پشیمان می‌شوی، به زودی پشیمان می‌شوی ای صاحب من! به زودی داخل دوزخ می گردی ای زننده‌ی من! (۱۱۵)

۱۰ – سبب ازدیاد شهوت جنسی (۱۱۶)

یعنی موسیقی عامل بزرگ اشاعه‌ی فحشاء می‌شود.

۱۱ – غضب خدا

امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:
من بقی بیته طنبور اربعین صباحاً، فقد باءَ بغضب من الله.
هر کس در خانه‌اش چهل روز طنبور بماند، به غضب خدا گرفتار می‌شود. (۱۱۷)

۱۲ – مقدمه‌ی قساوت قلب

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و اله ضمن وصیت خود به حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَام فرمودند: (۱۱۸)
یا علی! سه چیزاست که موجب قساوت قلب می‌شود:
گوش دادن به لهو؛ دنبال شکار رفتن و رفت و آمد به دربار سلطان جائر. (۱۱۹)
اگر انسان قسی القلب شود کمتر توفیق توبه پیدا می کند، هر چه قدر انسان بیشتر گناه کند نامه‌ی اعمالش از بار گناهان سنگین می‌شود و شخص قساوت قلب پیدا می کند وقتی هم قساوت قلب پیدا شود دیگر انسان کمتر می‌تواند توبه کند پس چه بهتر که انسان گناه نکند و به فرمایش مولای متقیان علی بن ابیطالب عَلَیْهِ السَّلَام گوش نماید که فرمودند:

گناه نکردن بهتر از توبه کردن می‌باشـد از کجا معلوم که انسان زنـده بمانـد و بتواند توبه نماید و به قول پزشـکان پیشـگیری بهتر از درمان است.

ب: عواقب وخیم غناء و موسیقی پس از مرگ

۱ – با روی سیاه محشور می‌شود

رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم فرمود:

کسـی که اهـل طنبـور است روز قیـامت محشور می‌شود در حـالی که سـیاهترین صورت را دارد و به دسـتش تنبوری از آتش جهنم است و بالای سـرش هفتاد هزار فرشته عذاب همراه با گرزی که در دست دارند بر سر و صورتش می کوبند و کسی که اهل (غناء و موسیقی) است از قبرش بیرون می آید در حالی که نابینا و گنگ و کر خواهد بود.

همچنین زنا کار و آنکه فلوت و دایره می‌زند همانند ایشان محشور می‌شود. (۱۲۰)

۲ – خدا نظر رحمت به او نمی‌فرماید.

در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله می‌خوانیم:

خمسه لا ینظر الله الیهم یو مالقیامه – الی ان قال:

– و المغنی.

خداوند در قیامت به پنج طایفه نظر رحمت نمی کند و یکی از آنان مغنی (آوازه خوان) است (۱۲۱)

۳ – به صورت خوک و بوزینه در می‌آیند

از ابی هریره روایت شده که پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم فرمود:

گروهی از این امت مسخ شده و به صورت بوزینه و خوک در می آیند.

گفتند:

یا رسول الله، مگر آنها شهادت به لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و محمد رسول الله نمی‌دهند؟

فرمود:

بلی، روزه هم می گیرند، نماز نیز می‌خوانند، حج نیز به جای می آورند.

گفتند:

پس عیب آنها چیست؟

فرمود:

آنها وسایل ساز و موسیقی و دایره را به کار می‌برند و کنیزان آوازه خوان می گیرند و با شب نشینی به می گساری و لهویات خویش را به صبح می‌رسانند که مبدل به بوزینه و خوک خواهند شد.

(۱۲۲)

۴ – در گوشش سرب ذوب شده (گداخته) می‌ریزند.

در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله می‌خوانیم:

(۱۲۳)

کسی که در مجلس زن خواننده بنشیند که به آوازه خوانی وی گوش دهد، خداوند به گوش‌های او سرب خواهد ریخت. (۱۲۴)

۵ – در قیامت به صورت نابینا و گنگ و کر خواهد بود.

(۱۲۵)

کسی که در دنیا موسیقی گوش نمی‌کند آیا ثوابی هم برای آن بیان شده است یا نه؟ جواب این سؤال را از لسان گویای امام رضا عَلَیْهِ السَّلَام می‌خوانیم.

ثواب پرهیز از غناء

امام رضا عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

کسی که از غناء دوری کند در عوض، درختی در بهشت است که خداوند دستور می‌دهد باد آن را به حرکت در آورد. نغمه خوشی از آن درخت بهشتی بلند می‌شود که مانند آن را تا به حال نشنیده است و کسی که از غناء اجتناب نکند آن صوت زیبا را نمی‌شنود. (۱۲۶)

تا اینجا آثار وخیم موسیقی در دنیا و آخرت را آوردیم و قبل از وارد شدن به مبحث پزشکی و سخنان دانشمندان خوب است که بپردازیم به موضوعی درباره‌ی خرید و فروش و تعلیم و تعلّم موسیقی و ببینیم که چه حکمی دارد.

خرید و فروش، تعلیم و یاد دادن

به اتفاق جمیع فقهاء ساختن و خرید و فروش آلات لهو و معامله‌اش باطل است و مانند آلات قمار نگهدارش نیز حرام و از بین بردنش واجب است.

چنان چه در ضمن حدیثی مفصلی که در کتاب تحف العقول از حضرت امام جعفر صادق نقل می‌کند و همچنین شیخ حر عاملی در فصول المهمه روایت می‌کند که حضرت فرمود:

صنعتی را که هیچ جهت حلالی در آن نباشد و جز شر و فساد چیزی بر آن مترتب نیست مانند بربط (آلت موسیقیست شبیه عود که به آن می‌نوازند) و مانند مزمارها و نی و شطرنج و هر آلت و وسیله لهوی و صلیب نصاری و بتها و هر چه شبیه اینها باشد پس یاد دادنش و یاد گرفتن و عمل کردن به آن و اجرت گرفتن بر آن و جمیع تصرفات در آن حرام است.

(۱۲۷)

خرید و فروش و کسب با وسایل لهو

رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم فرمود:

آموزش دادن خوانندگان و خرید و فروش کنیزکان آوازه خوان حرام است و در آمدی که از این راه به دست می‌آید نیز حرام می‌باشد، گواه این مطلب آیه‌ایست که خداوند در کتابش فرموده است:

«بعضی از مردم سخنان بیهوده را خریداری می‌کنند». (۱۲۸)

ابوبصیر می‌گوید:

از درآمد کنیزکان خواننده پرسیدم، امام عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

کسبشان حرام است؛ اما در عروسی‌ها در صورتی که زن و مرد از یکدیگر جدا بوده و صدای زن را نامحرم نشنود خواندن اشکال ندارد. (۱۲۹)

امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

کنیز و زن خواننده و کسی که اجرتی به او می‌دهد و کسی که پول آن را مصرف می‌کند، همه مورد لعنت قرار گرفته‌اند. (۱۳۰)

فردی نزد پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم آمد و عرض کرد:

یا رسول الله! خداوند مرا بیچاره کرده به طوری که روزی من فقط از راه نوازندگی ممکن است پس شما اجازه دهید که دایره بزنم و غنا بخوانم.

حضرت فرمود:

من به این کار اجازه نمی‌دهم. کرامت و بزرگ منشی برای تو نیست ای دشمن خدا! رزق و روزی تو را خداوند حلال داده و تو در طریق حرام تلاش داری، اگر دوباره چنین درخواستی کنی تو را تأدیب خواهم کرد. برو دنبا کسب حلال. (۱۳۱)

به اتفاق جمیع فقهاء، ساختن و خرید و فروش آلات لهو و لعب و معامله‌اش باطل است و مانند آلات قمار نگهداری‌اش نیز حرام و از بین بردنش واجب است.

در این جا می‌پردازیم به استفتائات مراجع پیرامون این موضوع.

دو استفتاء

اجرت گرفتن جهت تکثیر فیلم و نوارهای مبتذل و حرام آیا حلال است یا حرام؟ و در صورت کسب از این راه پولهای به دست آمده را چه باید کرد؟

مقام معظم رهبری (دامت برکاته): در فرض سؤال اجرت حلال نیست و پولهای به دست آمده باید به صاحبان آن برگردانده شود و اگر از یافتن ایشان مأنوس است از طرف ایشان به فقیر صدقه بدهد.

آیت الله العظمی سیستانی (دامت برکاته): حرام و مالک اجرت نمی‌شود.

آیت الله العظمی تبریزی رحمهٔ الله علیه: اجرت گرفتن جهت امر مزبور اکل مال به باطل بوده و جایز نیست و پولی که از این طریق به دست آمده باید به صاحبان آن برگردانده شود و چنانچه شخص صاحبان پول را نمی‌شناسد باید آن را از طرف آنها به فقیر صدقه بدهد.

آیت الله العظمی فاضل لنکرانی رحمهٔ الله علیه: حرام است.

در صورتی که صاحب آن را نمی‌شناسد آن را به فقیر صدقه بدهد.

آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته): اجرت مذکوره حرام است و پولهای به دست آمده را باید به صاحبانش برگرداند

اگر دسترسی به صاحبان نداشته باشد باید از طرف آنها به عنوان صدقه به فقیر غیر سید داده شود و احتیاطاً برای این کار از مجتهد هم اجازه بگیرد.

آیت الله العظمی بهجت (دامت برکاته): حرام است و در آمد از حرام هم حرام است و پویهای به دست آمده را به صاحبان آن برگردانید و در صورت یأس در حکم مجهول المالک است.

آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دامت برکاته): اجرت کار حرام نیز حرام است و باید به صاحبان آنها باز گردد و اگر دسترسی به آنها نیست از طرف آنها به فقیری صدقه بدهید. (۱۳۲)

خرید و فروش آلات لهو و لعب

خرید و فروش و استعمال و نگهداری تنبک و دایره و فلوت چه صورت دارد؟

مقام معظم رهبری (دامت برکاته): خرید و فروش آلات مختص حرام جایز نیست.

آیت الله العظمی فاضل لنکرانی رحمهٔ الله علیه: استعمال و نگهداری آلات مختصه‌ی لهو و لعب حرام است.

آیت الله العظمی بهجت (دامت برکاته): جایز نیست.

آیت الله العظمی تبریزی رحمهٔ الله علیه: خرید و فروش و استعمال آلات لهو جایز نیست.

آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دامت برکاته): با توجه به این که بیشترین استفاده از این وسایل در حال حاضر استفاده حرام است خرید و فروش و نگهداری آنها جایز نیست.

آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته): جایز نیست. (۱۳۳)

فصل چهارم دلائل حرمت موسیقی

دلائل چهارگانه در موسیقی و غناء

اشاره

از دیدگاه علمای شیعه، منابع فقه (منابعی که می‌توان احکام الهی را از آنها به دست آورد و بر اساس آن نظر داد) چهار چیز است: کتاب، سنت، اجماع و عقل که به «ادلهی اربعه» معروفند.

درباره‌ی مبغوض بودن موسیقی و غناء می‌توان از هر چهار منبع فقهی، دلایلی به دست آورد.

کتاب (قرآن)

اشاره

در قرآن مجید که اولین و مهمترین منبع احکام و مقررات اسلامی است، آیاتی وجود دارد که طبق نظر مفسران قرآن و احادیث معصومین عَلَیْهِمُالسَّلَام دلیل بر حرمت غنا یا موسیقی یا هر دو می‌باشد.

غنا و موسیقی در قرآن کریم

اشاره

بعضـی از سور در مکه نازل شده است مانند سوره‌ی فرقان، سوره لقمان، سوره اسراء و سوره نجم و بعضی در مدینه نازل شده است مانند سوره حج و سوره جمعه. از این سور می‌توان فهمید که قرآن از همان ابتدای بعثت با موسیقی مبارزه می‌کرده و آن را مورد نکوهش و حتی چنانچه از آیات سوره لقمان روشن می‌شود صریحاً موردتحریم قرار داده و مبارزه با موسیقی مانند مبارزه با بت پرستی از ابتدایی‌ترین احکام اسلام قرار داشته است.

قرآن کریم نیاز به مفسر دارد و مفسران حقیقی آن، ائمه‌ی معصومین عَلَیْهِم‌السَّلَام می‌باشند. هر آیه‌ای از قرآن بطنی دارد و هر بطن آن هفتاد بطن دارد ما آیاتی که پیرامون موسیقی بود را آورده‌ایم و روایات آن آیات را از لسان مبارک ائمه اطهار عَلَیْهِم‌السَّلَام ذکر می‌نماییم. در قرآن کریم آیاتی پیرامون موسیقی می‌باشد که ما به پنج آیه پیرامون موسیقی می‌پردازیم. که آنها عبارتند از:

آیه اول:

فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثانِ وَ اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ (۱۳۴)

ترجمه: از پلیدیها، از بتها اجتناب کنید و از سخن باطل و بی‌اساس بپرهیزید.

ابوبصیر می گوید:

از امام جعفر صادق عَلَیْهِ السَّلَام درباره‌ی سخن خدای تعالی که می‌فرماید:

«از پلیدیها، از بتها اجتناب کنید و از سخن باطل و بی‌اساس بپرهیزید». سؤال کردم، امام عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

منظور غناء (آواز طرب انگیز) است.

(۱۳۵)

امام جعفر صادق عَلَیْهِ السَّلَام درباره‌ی آیه‌ی شریفه فرمود:

منظور از پلیدی شطرنج و مراد از سخن باطل غنا وو آواز طرب انگیز است.

(۱۳۶)

آنجا که قرآن کریم اوصاف بندگان صالح و عباد الرحمن را بر می‌شمارد می‌فرماید:

آیه دوم:

وَ الَّذینَ لا یَشْهَدُونَ الزُّورَ وَ إِذا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا کِراماً (۱۳۷)

ترجمه: و آنان ند که حاضر شوند در مجالس غنا و...

امام جعفر صادق عَلَیْهِ السَّلَام در مورد سخن خدای تعالی که می‌فرماید:

بندگان خاص خداوند کسانی هستند که هرگز شهادت به باطل نمی‌دهند. (۱۳۸)

فرمود:

منظور غناء است.

(۱۳۹)

علی بن ابراهیم قمی در تفسیرش که به طور کامل یک تفسیر روایی می‌باشد - «زور» را به غناء و مجالس لهو تفسیر نموده است.

(۱۴۰)

در تفسیر جوامع الجامع آمده است:

منظور از این آیه اینست که بندگان خاص خداوند در مجالس بی‌فایده و بدکاران شرکت ن می‌کنند.

(۱۴۱)

در تفسیر شریف لاهیجی آمده است که: احادیث اهل بیت متکثر الورد است که، مراد از «زور» غناست، لیکن علی بن ابراهیم روایت کرده که مراد از «زور» غنا و مجالست با اهل لهو است، اعم از آنکه غنا باشد یا غیر آن. (۱۴۲)

آیه سوم:

 وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ یَشْتَری لَهْوَ الْحَدیثِ لِیُضِلَّ عَنْ سَبیلِ اللَّهِ بِغَیْرِ عِلْمٍ وَ یَتَّخِذَها هُزُواً أُولئِکَ لَهُمْ عَذابٌ مُهینٌ (۱۴۳)

ترجمه: بعضی از مردم هستند که سخنان بیهوده خریداری می‌کنند تا مردم را از روی جهل و نادانی از راه خداوند گمراه کنند و به دنبال آن، آیات الهی را مسخره می‌کنند.

خداوند بدین عمل آنها را به عذاب خوار کننده‌ای مبتلا می‌سازد

امام محمد باقر عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

غنا از جمله چیزهاییست که خداوند برای ارتکاب آن وعده‌ی عذاب جهنم داده است.

سپس آن حضرت این آیه شریفه را تلاوت فرمود:

بعضی از مردم هستند که سخنان بیهوده خریداری می‌کنند تا مردم را از روی جهل و نادانی از راه خداوند گمراه کنند و به دنبال آن، آیات الهی را مسخره می‌کنند.

خداوند بدین عمل آنها را به عذاب خوار کننده‌ای مبتلا می‌سازد. (۱۴۴)

امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

مجلس خوانندگی لهو و باطل، مجلسیست که خداوند به اهل آن نمی‌نگرد (آنها را مورد لطفش قرار نمی‌دهد) و این مصداق همان چیزیست که خداوند عز و جل فرموده:

«بعضی از مردم هستند که سخنان بیهوده خریداری می‌کنند تا مردم را از روی جهل و نادانی از راه خدا گمراه سازند». (۱۴۵)

مردی می‌گوید:

نزد امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام بودم، کسی به ایشان گفت:

پدر و مادرم فدای شما باد، همسایگان من کنیزانی دارند که آواز می‌خوانند و با عود (یکی از آلات موسیقی) می‌نوازند من هنگامی که برای قضای حاجت می‌روم، چه بسا نشستن خودم را طول می‌دهم تا صدای آنها را بیشتر بشنونم!!

امام عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

این کار را انجام مده! در روز قیامت در برابر خداوند هیچ عذر و بهانه‌ای نداری، مگر سخن حق تعالی را در قرآن کریم نشنیده‌ای که می‌فرماید:

«إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤادَ کُلُّ أُولئِکَ کانَ عَنْهُ مَسْؤُلًا» (۱۴۶)

«گوش و چشم و دل همگی مسؤولند و در برابر کارهایی که انجام داده‌اند از آنها سؤال می‌شود».

مرد گفت:

به خدا سوگند گویا تا به حال این آیه قرآن را از عرب و غیر عرب نشنیده بودم. دیگر به خداوند این کارها را انجام نمی‌دهم و از او آمرزش می‌طلبم.

بعد امام عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

برخیز و غسل کن و آنچه می‌توانی نماز بخوان تاکنون به گناه بزرگی مشغول بودی و چقدر حال بدی داشتی اگر بر این حال می‌مردی. (۱۴۷)

لهو الحدیث هر سخن نادرستیست که انسان را از شنیدن و پذیرفتن سخن حق که کلام خدا و قرآن مجید است باز دارد؛ مانند داستان‌های خرافی و قصه‌هایی که شنونده را به فساد، فسق و فجور می‌کشاند و نیز مانند آوازه خوانی و سرگرمی به آلات موسیقی. آشکار است که سرگرمی به هر یک از امور باطله آدمی را از شنیدن و پذیرفتن معارف اعتقادی قرآن مجید و دستورات عملیه‌ی آن و داستان‌های عبرت بخش آن و گزارشات عجیبه‌ی عالم آخرت و بهشت و دوزخ که بیان فرموده، باز می‌دارد و اگر شخص سخنان حق را بشنود مسخره می‌کند و چنین آدمی هرگاه آیات قرآن مجید برایش خوانده شود، کبر ورزد و از پذیرفتن آنها رو برگرداند؛ مانند این که این آیات را اصلاً نشنیده و ندیده است، چنانچه در آیه‌ی ۷ سوره‌ی لقمان این چنین می‌فرماید:

«و هرگاه بر این مردم آیات قرآن تلاوت شود چنان با غرور و تکبر پشت گردانند که گویی هیچ آن آیات الهی را نشنیدند، پنداری از هر دو گوش کر هستند این مردم را به عذاب دردناک بشارت ده».

و خلاصه کسی که به ساز و آواز و سایر اباطیل سرگرم شد و مشتری آنها گردید کجا به خدا و آخرت و حقایق قرآن مجید آشنا و مشتری می‌گردد و آنها را خواهان می‌شود و نتیجه‌ی گرویدن به اباطیل، بی‌ایمانی و موهوم پنداشتن حقایق است و چنین شخص نادانی گمراه و گمراه کننده و مورد وعده‌ی عذاب الهی در آیه‌های ۶ و ۷ سوره‌ی لقمان است.

از آنچه که توضیح داده شد معلوم گردید که غنا لهو الحدیث است و بر آن وعده‌ی عذاب داده شده، پس گناه کبیره است. (۱۴۸)

غنا از گناهان کبیره است

از گناهانی که به کبیره بودنش تصریح شده، سرگرمی به آلات موسیقی و نواختن انواع سازها مانند تار و کمانچه و پیانو و طنبور و نظائر آن یا گوش دادن به آنهاست و یکی از ملاکهای گناه کبیره آن است که: خدای تعالی بر آن وعده آتش دوزخ داده است. (۱۴۹)

پس غناء (آواز طرب انگیز) یکی از گناهان کبیره می‌باشد زیرا امام هشتم حضرت رضا عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

«اعلم ان الغناء مما وعدالله علیه النار فی قوله: وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ یَشْتَرِی لَهْوَ الْحَدیثِ لِیُضِلَّ عَنْ سَبیلِ اللَّهِ بِغَیْرِ عِلْمٍ وَ یَتَّخِذَها هُزُواً أُولئِکَ لَهُمْ عَذابٌ مُهینٌ (۱۵۰)

بدان همانا غناء از چیزهاییست که خدای تعالی در سخنش بر آن وعده‌ی آتش داده است:

«و بعضی از مردم سخنان بیهوده را می‌خرند تا مردم را از روی نادانی، از راه خدا گمراه سازند و آیات الهی را به استهزاء گیرند، برای آنان عذابی خوار کننده است.

(۱۵۱)

در تفسیر قمی «حدیث لهو» به غناء و نوشیدن خمر و تمام آلات لهو تفسیر شده است.

(۱۵۲)

و مرحوم طبرسی با استفاده‌ی از سخن امام محمد باقر و امام جعفر صادق و حضرت رضا عَلَیْهِم‌السَّلَام و بسیاری از مفسرین، «حدیث لهو» را به غنا تفسیر نموده است.

(۱۵۳)

مرحوم علامه سید عبدالله شبر رحمهٔ الله علیه می‌فرماید:

هر چیزی که انسان را از کارهای خوب باز دارد، مانند غناء و سخنان دروغ و مضحکه‌ها و سخنان بی‌فایده، حدیث لهو به شمار می‌آید. (۱۵۴)

آیه چهارم:

و الذین عن اللغو المعرضون (۱۵۵)

ترجمه: مؤمنان کسانی هستند که از هر گونه لغو و سخن بیهوده دوری می‌کنند.

۱ – و الذین عن اللغو المعرضون یعنی عن الغناء و الملاهی.

مؤمنان کسانی هستند که از هر گونه لغو و سخن بیهوده دوری می‌کنند (یکی از مصادیق لغو، غناء و آلات لهو می‌باشد). (۱۵۶)

با توجه به مطالب فوق روشن می‌شود که مجلس ساز و آواز یکی از نمونه‌های آشکار مجالس باطل می‌باشد.

آیه پنجم:

 أ فَمِنْ هذَا الْحَدیثِ تَعْجَبُونَ * وَ تَضْحَکُونَ وَ لا تَبْکُونَ * وَ أَنْتُمْ سامِدُونَ (۱۵۷)

ترجمه: آیا از این سخن تعجب می‌کنید و می‌خندید و نمی‌گریید و پیوسته در غفلت و هوسرانی به سر می‌برید.

برخی از مفسران قرآن کلمه‌ی «سامدون» را در این آیه شریفه به معنای اشتغال به غنا و آوازه خوانی دانسته‌اند.

علی شریحی در تفسیر البشائر:

«سمود» به معنای لهو و «سامد» به معنای لاهیست و معنای آیه‌ی انتم سامدون این است، شما مشغول لهو و لعب هستید و از هدف آفرینش غافلید. (۱۵۸)

علامه امینی رحمهٔ الله علیه در کتاب الغدیر از دوازده تفسیر اهل سنت نقل کرده است که طبق روایت عکرمه از ابن عباس، منظور از «سمود» غنا و آوازه خوانی است، زیرا در لغت قبیله‌ی حمیر هرگاه بگویند:

«سمِّدلَنا» منظورشان اینست که برای ما آواز بخوان. (۱۵۹)

سنت

سنت که در لغت به معنای راه روشن و پسندیده و در اصطلاح فقهاء عبارت است از قول (گفتار)، فعل (رفتار) و تقریر (امضای) پیامبر و معصومین عَلَیْهِمُ‌السَّلَام، از منابع مهم احکام اسلامی است.

احادیث فراوانی (به صورت قول، فعل و تقریر) در کتابهای حدیثی از معصومین عَلَیْهِمُ‌السَّلَام درباره‌ی غنا و موسیقی نقل شده که در حرمت هر دو به حد تواتر رسیده است.

که ما تعدادی از این احادیث را در فصل ... خواهد آمد.

اجماع

اشاره

یکی از معان یاجماع در لغت، اتفاق است و در اصطلاح فقهاء، اجماع عبارت است از: اتفاق نظر علمای اسلام، یا علمای شیعه درباره‌ی یک حکم شرعی. (۱۶۰)

اجماع، نزد اهل سنت، در کنار کتاب و سنت، دلیل مستقلی محسوب می‌شود، ولی در فه شیعه؛ اجماع دلیل مستقلی نیست، بلکه از یزر شاخه‌های سنت است و تنها در صورتی اعتبار دارد که کاشف از قول یا فعل و یا تقریر معصوم باشد.

(۱۶۱)

کاشف بودن اجماع از قول معصوم مبتنی بر چهار شرط زیر می‌باشد:

۱ – اجماع از ناحیه‌ی قدمای فقهی زمان غیبت، انجام گرفته که به زمان حضور معصوم نزدیک بوده است.

۲ – همه‌ی اجماع کنندگان یا بعضی از آنان به مدرک حکم تصریح نکرده باشند.

۳ – قرائنی از زمان امامان معصوم عَلَیْهِمُالسَّلَام و اصحابشان بر خلاف مطلب مورد اجماع وجود نداشته باشد.

۴ – مطلب مورد اجماع از مسائلی باشد که جز از ناحیه‌ی شرع به دست نمی‌آید.

با توجه به مطالب فوق، اجماع در حرمت موسیقی و غنا – که مدارک حکم در عبارت اجماع کنندگان آمده است – نمی‌تواند دلیل مستقلی باشد، بلکه فایده‌ی اجماع در این گونه موارد که دلیلی از کتاب یا سنت وجود دارد، اینست که مؤید دلالت یه و روایت می‌باشد؛ یعنی معلوم می‌شود همه‌ی فقهاء در فهم معنای آیه یا روایت اتفاق نظر دارند؛ مگر این که از اجماع و اتفاق نظر همه‌ی فقهای شیعه معلوم شود این حکم از ضروریات مذهب امامیه است – هم چنان که در عبارت بعضی از فقهاء مانند میرزای قمی، صاحب جواهر، شریف کاشانی و نراقیین به این مطلب تصریح شده است – در این صورت از اعتبار بیشتری برخوردار بوده و می‌تواند دلیل محکمی بر حرمت غنا و موسیقی به حساب آید. در این جا به عبارت برخی از فقهایی که ادعای اجماع فرموده‌اند، اشاره می‌شود.

ادعای اجماع فقها در حرمت موسیقی

فقهای اسلام در حرمت موسیقی، ساخت و ساز و خرید و فروش آلات موسیقی اتفاق نظر دارند و برخی از فقهاء به این اجماع تصریح کرده‌اند.

ما فقط در این جا نام آن بزرگواران همراه با نام کتاب و صفحه‌ی آن را می‌نویسیم برای اطلاعات بیشتر دوستان می‌توانند به کتابهایی که ذکر می‌شود و کتاب موسیقی و غنا از دیدگاه اسلام مراجعه کنند.

۱ – شیخ محمد حسن صاحب جواهر در کتاب جواهر الکلام ج ۲۲ ص ۲۵ و ج ۴۱ ص ۵۱

۲ – سید علی صاحب ریاض در ریاض المسائل ج ۸ ص ۴۹

۳ – مولی احمد نراقی در کتاب مستند الشیعه ج ۱۸ ص ۱۶۰

۴ – شیخ مرتضی انصاری در مکاسب ج ۱ ص ۱۱۷

۵ – آیه الله خویی در مصباح الفقاهه ج ۱ ص ۱۵۵

۶ – آیت الله گلپایگانی در کتاب الشهادات ص ۱۱۴

این بزرگواران مدعی اجماع بر حرمت موسیقی هستند.

ادعای اجماع فقها بر حرمت غناء

تعداد کثیری از فقهای بزرگ، در حرمت غناء ادعای اجماع کرده‌اند، که در این جا با نام و کتاب آنها و صفحات کتاب آنها آشنا می‌شویم:

۱ – شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ ه. ق) در کتاب تلخلاف ج ۶ ص ۳۰۵ مسأله ۵۴

۲ – سید علی طباطبایی صاحب ریاض (متوفای ۱۲۳۱ ه. ق) در ریاض المسائل ج ۸ ص ۴۹ و ۱۵۵

۳ – مقدس اردبیلی (متوفای ۹۹۳ ه. ق) در کتاب مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان ج ۸ ص ۵۷ و ۵۹

۴ – شیخ حر عاملی (متوفای ۱۱۰۴ ه. ق) در کتاب رساله فی الغناء ص ۴۷

۵ – آقا محمود بهبانی (۱۲۶۹ ه. ق) نواده‌ی وحید بهبهانی در رساله فی الغناء، که در کتاب میراث فقهی ج ۲ ص ۸۰۹ و ۸۱۰ به نقل از کتاب فوق نقل کرده است.

۶ – شیخ عبدالصمد همدانی (۱۲۱۶ ه. ق) از شاگردان برجسته‌ی وحید بهبهانی در راسله فی الغناء، که در کتاب میراث فقهی ج ۱ ص ۶۷۲ و ۷۰۸ به نقل از کتاب فوق نقل کرده است.

۷ – میرزای قمی (۱۲۳۱ ه. ق) در رساله فی تحقیق الغناء، که در کتاب میراث فقهی ج ۲ ص ۸۰۹ و ۸۱۰ به نقل از کتاب فوق نقل کرده است.

۸ – سید محمد جواد حسینی عاملی (۱۲۲۶ ه. ق) صاحب مفتاح الکرامه در ج ۴ ص ۵۲

۹ – شیخ یوسف بحرانی صاحب حدائق در الحدائق الناضره ج ۱۸ ص ۱۰۱

۱۰ – مولی احمد نراقی (۱۲۴۵ ه. ق) در مستند الشیعه ج ۱۴ ص ۱۲۹

۱۱ – مولی محمد نراقی (۱۲۹۷ ه. ق) در کتاب مشارق الاحکام، نراقی ص۱۴۸

۱۲ – علامه حلی (۶۴۸ – ۷۲۶ ه. ق) در منتهی المطلب ج ۲ ص ۱۰۱۲

و دیگر علمای مانند شهید ثانی، محقق سبزواری، شیخ حر عاملی، علامه محمد باقر مجلسی، سید علیخان مدنی، مولی محمد رسول کاشانی، شیخ محمد حسن نجفی صاحب جواهر الکلام، آقا محمود بهبهانی، شیخ هادی تهرانی، شیخ مرتضی انصاری و علامه ملا حبیب الله شریف کاشانی، آیت الله سید احمد خوانساری، آیت الله سید ابوالقاسم خویی، آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی و دهها و بلکه صدها تن دیگر از مراجع و علمای سلف و تازه قائل به اجماع بر حرمت غناء هستند.

تا اینجا با نام علمای آشنا شدید که درباره‌ی حرمت موسیقی و غنا ادعای اجماع کرده‌اند و عده‌ای از همین بزرگان حرمت آنها را از ضروریات و مسلمات مذهب شیعه (بلکه اسلام) معرفی کرده‌اند، در این صورت مدرکی بودن اجماع، خدشه‌ای بر استدلال به آن وارد نمی‌کند.

عقل

از دیدگاه فقهای امامیه، عقل نیز – در کنار کتاب و سنت – منبع مستقلی برای احکام شرعی است.

اگر در موضوع خاصی از طریق کتاب و سنت و اجماع هیچ حکمی به ما نرسیده باشد، ولی عقل به طور جزم و یقین به مصلحت یامفسده‌ی آن موضوع پی ببرد، می‌تواند حکم آن را کشف کند و در حقیقت، عقل در این موارد استدلال منطقی ترتیب می‌دهد، به صورت زیر:

در فلان مورد (مثل تریاک، هروئین و سیگار) مفسده‌ی لازم الاحتراز وجود دارد. (صغرا)

هر جا چنین مفسده‌ای باشد، قطعاً شارع از آن نهی می‌کند و باید آن را ترک کرد. (کبرا)

پس، در مرود مزبور، حکم شرع اینست که باید آن راترک کرد. (نتیجه)

این در مورد حکم تحریمی عقل بود.

در مورد وجوب و مصلحت لازم الاستیفا نیز عقل استدلال مشابهی انجام می‌دهد.

دربـاره‌ی غنـا و موشـیقی نیز با توجه به مضـرات فراوانی از قبیلک ایجاد عـدم تعادل بین اعصاب شـمپاتیک و پاراسـمپاتیک، مرض مانی، مرض پارانویا، مرض سـیکلوتمی، هیجان، اختلالات دماغی، فشار خون، نامنظم شـدن ضـربان قلب، تضـعیف حس شـنوایی و بینـایی، تضـعیف نیروی قضـاوت، از دست دادن توانایی‌هـای فکری، سـلب اراده، سـلب غیرت، تهییـج عشق، ازدیـاد فحشاء و منکر، ایجاد حالت افسـردگیو خمودی، انتحار و خودکشـی، کوتاهی عمر و صدها بیماری دیگر که توسط پزشـکان و روان شناسان جامعه شناسان اثبات شـده است که ما در فصل ... این کتاب خواهـد آمـد. عقل می‌توانـد با اسـتدلال منطقی به ترتیب زیر، حرمت غناء را اثبات نماید:

غنا و موسیقی ضرر معتنا به و مهم دارد (صغرا)

هر چیزی که ضرر معتنابه داشته باشد حرام است (کبرا)

پس غنا و موسیقی حرام است.

(نتیجه)

این از طریق فلسفه‌ی احکام بود.

عقل از طریق لوازم احکام نیز می‌تواند حرمت غنا و موسـیقی را اثبات نماید، زیرا شـکی در این نیست که موسیقی و غنا در برخ یاز موارد، مقدمه‌ی جرأت بنده در مقابل مولا شده و زمینه‌ی گناهان را فراهم می‌کند.

جرأت در مقابل مولا و هتک محرمات الهی، از چیزهاییست که عقل هر عاقلی به قباحت و زشتی آن حکم می‌کند.

پس، انسان عاقل باید خود را از هر عملی (مثل غنا و موسیقی) که موجب جرأت عبد در مقابل مولا می‌شود، دور نگه دارد.

تـا این جا روشن شـد که همه‌ی ادله اربعه (کتاب، سـنت، اجماع و عقل) بر ممنوعیت غنا و موسـیقی دلالت دارد و مهم‌ترین آنها— که در دلالتشان هیچ گونه‌ای خدشه‌ای نمی‌توان کرد - کتاب و سنت است که در فصل‌های آتی خواهد آمد.

فصل پنجم، سؤالاتی پیرامون موسیقی و غناء

اشاره

در این فصل می‌پردازیم به یک سری از سؤالاتی که زیاد امروزه پیرامون موسیقی مطرح می‌شود.

۱ – شایستگی موسیقی به خاطر لذت به هیچ منطقی تکیه نمی‌کند

لذت و احساس خوشی که معلول شنیدن موسیقیست در تاریخ بشری دوشادوش در تمام جوامع وجود داشته است به این معنا که هر یـک از جوامع بـا در نظر گرفتن تنوع و دوران هـایش، نـوع یـا انواعی از موسـیقی را مورد بهره برداری قرار داده و روان خود را با موسیقی نوازش داده‌اند.

انگار این موضوع بی‌شباهت به انکار مردن طبیعت گرایی بشر نیست.

اگر کمی دقت داشـته باشـیم، خواهیم دیـد که لذت خودگرایی نه تنها بالاتر از لذت موسـیقی است، بلکه اصـلاً قابل مقایسه نیست؛ زیرا خودگرایی که اجرای امیال بی نهایت را در این زنـدگانی ضـروری می‌بیند به متن حیات نزدیک‌تر از موسـیقی است؛ زیرا افراد فراوانی پیـدا می‌شونـد که موسیقی را متن حیات خود قرار نمی‌دهنـد در صورتی که خود خواهی برای اکثریت قریب به اتفاق مانند محور اساسـی زنـدگی تلقی شـده است و هیـچ جـای تردیـد نیسـت کـه همـه‌ی مکتب‌هـای انسـانی اعـم از دینی، اخلاـقی و سـایر مکتب‌هایی که شایسـتگی انسان را مطرح می‌کننـد، خودخواهی را محکوم نموده و لـذتش را فریبنده و بی احساس دانسـته‌اند؛ بنا بر

این اگر دلیل شایستگی موسیقی همان احساس لذت بوده باشد به هیچ منطقی تکیه نمی‌کند.

درست است که تحریک مثبت و تشجیعی را که موسیقی انجام می‌دهد ما را از موجودیت حقیقی خود با یک گروه نوسانات بالاتر می‌برد؛ ولی هنگامی که موسیقی تمام می‌شود یک سرا زیری حقیقی در خود احساس می‌کنیم و می‌بینیم که موسیقی سایه‌ای از برای ما ساخته. اکنون شبح مصنوعی از بین رفته، واقعیات با همان خشونت برای ما نمودار می‌شود.

۳ – علت ممنوعیت موسیقی در منابع اسلامی

بایستی گفت بشر از نظر کمبودی که در معرفت توانایی مواجه با واقعیت دارد، موسیقی را برای تسلی خود تأئید می‌کند، پس نام آن را ضرورت می‌گذارد و به همین جهت است که اسلام به موسیقی روی نشان نمی‌دهد و می‌خواهد انسان‌ها در زندگانی روحی و طبیعی با خود واقعیات روبرو گردند.

علتی که برای ممنوعیت موسیقی در منابع اسلامی ذکر شده است، مسأله‌ی لهو و لعب است با نظر به این علت، کاملاً روشن می‌شود که اسلام می‌خواهد انسان در این دنیا خود را در مقابل هیجانات نبازد و آمادگی واقعی خود را از دست ندهد تا بتواند اختیار را از خود سلب کند.

۴ – آیا موسیقی روح انسان را تصفیه می‌کند؟

اگر موسیقی آن چنان که عاشقان دلباخته‌اش می‌گویند حقیقتاً روح انسانی را تصفیه می‌کند، چرا با شیوع موسیقی در شرق و غرب، بیماری‌های روانی و فساد اخلاقی به حدیست که گفت و گو درباره‌ی آن باعث شرمساری است.

ما نمی‌دانیم که اگر انسان‌ها به این موسیقی اشتغال نمی‌ورزیدند و با خود واقعیات رو به رو می‌گشتند چه اندازه راه ترقی و اعتلا را می‌پیمودند!

۵ – اگر موسیقی واقعاً ضرر داشت آیا می‌توانست این اندازه مردم را به خود مشغول کند؟

می‌گویند امروزه مانند دوران‌های گذشته، موسیقی از آن موضوعات است که اکثریت به اتفاق آن را تأیید می‌کنند.

اگر واقعاً ضرر داشت آیا می‌توانست این اندازه مردم را به خود مشغول بدارد.

می‌گوییم:

صحیح است، ولی فراموش نکنیم که بشر در دوران‌های گذشته بردگی را هم زیر بنای تمام مسائل اجتماعی و سیاسی خود قرار داده بود و به فکر هیچ کس نمی‌رسید که یک اصل خلاف انسانی بوده باشد.

حتی ارسطوها و افلاطون‌ها که از آنها با تمام تأکید دفاع می‌کردند.

امروزه اگر مردم از اندیشه‌های عمیق درباره‌ی مسائل دینی، اجتماعی، روانی و تکامل به معنای عمومی سرباز می‌زدند، آیا می‌توان گفت این اکثریت بدون علت صحیح نمی‌تواند از اندیشه‌ی صحیح سرباز بزند، پس ناچاریم این هم یک واقعیت است که بایستی تمامی موضوعات را از نظر سطحی آنها رسیدگی کرد.

امروزه جوان اروپا، آمریکا و کشورهای زیادی از آسیا در مستی شگفت آوری به سر می‌برند. برای آنان زندگی شکل هدفمند خود را نشان نمی‌دهد. آیا می‌توان گفت زندگانی هدفی ندارد؛ زیرا اگر هدفی داشت جوانان امروزی ما هم در جستجوی آن تلاش می‌کردند؟

خلاصه برای انسان خردمندی که می‌خواهد همه‌ی موضوعات را از همه جانبه بنگرد روش اکثریتی که «برتراندراسل» فیلسوف

انگلیسی درباره‌ی آن می گوید:

هر فردی از انسان زاویه‌ای برای جنون دارد! او راه اعتدال بشر را هنوز نمی‌شناسد یا راه اعتدال را نمی‌رود!! هیچ گونه ملاک نمی‌باشد و نمی‌تواند راه واقعی را به او نشان بدهد.

۶ – موسیقی نمی‌تواند چاشنی روح باشد

کسی که می گوید:

موسیقی چاشنی روح است، این مطلب را در نظر نمی گیرد که ارواح آدمی که در شعله‌های انحراف از واقعیت‌ها می‌سوزد چه نتیجه‌ای از تحریکات خیالات و رؤیاهای غیر علمی به دست خواهد آورد. آیا این تحریکات امضا و ادامه‌ی تخدیر در مقابل واقعیت‌ها نیست؟

آن که می گوید:

خشونت، جریانات طبیعت، بدبختی‌ها و ناگواری هاست که ما را به موسیقی پناهنده می کند.

اولاً:

کدامین فرمول علمی و ریاضیست که بتواند حدود واقعی موسیقی را مشخص نموده و بگوید:

این نوع آهنگ می‌تواند علاج دردهای ناشی از خشونت زندگی باشد و آن نوع نمی‌تواند حال روی این منطق بایستی برای هر فرد از انسان‌ها به شماره بدبختی‌ها و ناگواری‌های زندگانی‌اش یک آهنگ معین بسازیم.

ثانیاً:

آیا با اعتبار به موسیقی، موضوع خشونت و ناملایمات زندگی مبدل به خوشی و آسایش می‌شود یا عینک تار به دیدگان آدمی می‌زند که واقعیت‌ها را دگرگون ببیند. کار این انسان خیلی تعجب آور است؛ مثل اینست که سوگند خورده است که برای بازی گری خود در جهان واقعیات حد و اندازه‌هایی قائل نشود.

۷ – آیا موسیقی در محل کار سبب کار بیشتر است؟!

می گویند:

آزمایش کرده‌اند وقتی در کارگاه‌ها موسیقی نواخته می‌شود؛ راندمان کارگران بیشتر می‌شود. این پدیده را چگونه می‌توان با تحریم موسیقی توجیه کرد؟

می گوییم چون مسلماً افزایش راندمان مار انرژی می‌خواهد، خود تموجات صوتی نمی‌تواند در داخل بدن انرژی تولید کند، پس آن کارگر مجبور است انرژی بیشتری را در زمان کوتاه تری از دست بدهد تا پدیده‌ی فوق به وقوع بپیوندد. به این ترتیب ملاحظه می‌شود که ظاهراً موسیقی در اینجا نقش مثبتی داشته؛ ولی همان طور که گفته شد، این نقش مثبت ظاهریست و در واقع موسیقی در اینجا هیچ عمل مثبتی انجام نداده بلکه جنبه‌ی منفی هم داشته است که باعث شده انرژی کارگران در زمان کوتاه تری صرف شود به علاوه کدامین اصل انسانی می گوید:

برای افزایش دادن منافع سود، کارگران را در خیالات و تجسمات بی‌اساس غوطه‌ور سازیم؟

۸ – احتلالات تعقل در موسیقی دانان

...«مکتبی که ممنوعیت موسیقی را گوشزد می کند (اسلام)، در حقیقت بزرگترین حمایت را از درون آدمیان به عهده گرفته است.

حال اگر ما در درون موسیقی دانان و آهنگ سازان و نه شنوندگان موسیقی هیچ اختلالی نمی‌بینیم؛
اولاً:
این ادعای کلی به هیچ وجه قابل اثبات نیست؛ زیرا مگر نمی‌گویند موسیقی حافظه‌ی آدمی را از کار می‌اندازد یا کم می‌کند.
ثانیاً:
فرض می‌کنیم که ما هیچ ضرر محسوسی در آن اشخاص که با موسیقی سرو کار دارند نمی‌بینیم؛ اما نباید فراموش کنیم که هیچ حقوق دان، فیزیک دان و هیچ یک از دانشمندان علوم تحقیق، نه تنها از موسیقی برای کارهای خود بهره برداری نکرده‌اند، بلکه به جهت مخالف بودن موسیقی با فعالیت‌های علمی مغز همواره راه تعقل و اندیشه را از موسیقی جدا کرده‌اند.
این حقیقت دلیل آن است که اندیشه و تعقل با تحریکات و تجسمات موسیقی سازش ندارد؛ بنا بر این ما نوعی از اختلال تعقل در موسیقی می‌یابیم.

۹ – گوش دادن به موسیقی‌های مجاز

در مواردی که ادای موسیقی را در می‌آوریم یا به برخی از موسیقی‌ها که گمان می‌کنیم جزء موسیقی‌های ممنوع نیست گوش فرا می‌دهیم. اگر این گونه امور ممنوع نباشد حداقل قدم روی نوار باریکی گذاشته‌ایم که یک طرف آن قطعاً قلمرو ممنوعیت و حرمت می‌باشد و چون نفس آدمی لذت طلب است، لذا تدریجاً قانون را پایمال می‌سازد. این را هم بدانیم که طبق خاصیت پدیده‌ی تقلید و مقتضای قانون محاکمات نوعی از تأثیر و تلقین ناخود آگاه در درون به وجود می‌آید که تدریجاً سطح مربوط روان ساییدگی پیدا کرده و کم کم از ممنوعیت موضوع تقلید می‌کاهد. (۱۶۲)

۱۰ – آیا در اسلام به زیبایی و جمال عنایتی شده؟

اسلام مخالفتی با جمال و زیبایی ندارد و با این حس نه تنها مبارزه نکرده، بلکه در قسمت‌هایی این حس را تأیید هم کرده است.
در «اصول کافی» بابی داریم تحت عنوان «الزی والتجمل» که تجمل همان خود را زیبا کردن است.
حدیثی داریم که: «ان الله جمیل و یحب الجمال» خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و از همه بالاتر خود زیبایی بیان است که در اسلام در حد اعلایی به آن توجه شده است.
اسلام خود اعجازش – یا لا اقل یکی از موارد اعجازش – زیبایی کلام قرآن است.
(۱۶۳)

۱۱ – آیا بیماران روحی به وسیله‌ی موسیقی معالجه می‌شوند؟

اشاره

گروهی وقتی که نسبت به زیان موسیقی گفت و گو و بحث می‌شود بدون دقت وتأمل اظهار می‌دارند که: «اکنون به وسیله‌ی موسیقی در بعضی از کشورهای خارجی، بیماران روحی را معالجه می‌کنند و نوارهای آرام بخش موسیقی را بعضی از پزشکان تجویز می‌کنند و»...
در این مورد باید، اولاً ـ دقت کرد که این مطلب تا چه اندازه جنبه تبلیغاتی و تشریفاتی دارد و اگر از جنبه‌ی تبلیغاتی و ... آن بگذریم در کدام یک از مراکز علمی جهان تاکنون موسیقی، دیوانگان و بیماران روحی را معالجه کرده و نتیجه مثبت آن در هر

سال برابر آمار روزافزون بیماریهای روانی چند نفر بوده است؟

ثانیاً اغلب روان پزشکان، خود معتقدند که نتیجه‌ی درمان با موسیقی بسیار ضعیف است، چنانچه «اسکریل» می‌نویسد:

من اقرار می‌کنم که عدم موفقیت‌هایی در زمینه‌ی درمان با موسیقی وجود دارد؛ ولی باید در ضمن اثر تسکین دهنده و مشغول کننده‌ی آن را نیز در نظر داشت. (۱۶۴)

ثالثاً دلیل قاطعی از نظر تجربی، راجع به این موضوع نداریم، جز آنکه مشاهده می‌کنیم، آمار بیماریهای روحی، مخصوصاً در ممالک غربی، روز به روز بیشتر نشان داده می‌شود و همچنین مجامع بزرگ پزشکی جهان، اعلام داشته‌اند که مهم‌ترین اثر موسیقی تولید ضعف اعصاب و روان و آثار خطرناک دیگر است.

رابعاً اگر بر فرض هم معتقد باشیم که از هزاران بیماری روانی، موسیقی یکی را هم تخفیف می‌دهد، تازه این یک نوع موسیقی علمی و طبی نامیده می‌شود و هیچ مربوط به موسیقی‌هایی که مورد بحث و گفتگوست نیست.

نخستین شرط آرامش و آسایش

قابل ذکر است که در جهان، شخصی که دارای عقل سلیم باشد نمی‌توان پیدا کرد که بهبود و آسایش زندگی خود را درآرامش فکری خود نداند. اگر از یک یک دانشمندان جهان در مورد اولین شرط آرامش و آسایش فکر و بهره برداری از زندگی و طول عمر در برابر حوادث جهان بپرسید به اتفاق آرا به شما می‌گویند:

نخستین شرط آرامش و آسایش زندگی، حفظ سلامت، صحت و تعادل روان و اعصاب است.

همین اعصاب در سلامت بدن و حفظ بهداشت به اندازه‌ای قابل توجه است که حتی می‌توان گفت:

بر قلب سایه‌ی برتری گسترانده؛ زیرا سلامت قلب بستگی تام به صحت و درست کار کردن اعصاب آن دارد. (۱۶۵)

۱۲ – آیا درست است که موسیقی دانان را تشویق کرد یا نه؟

با توجه به آیات و روایاتی که در بحث موسیقی گذشت روشن شد که از نظر اسلام موسیقی مطرب جزء پلیدترین کارها است، تا جایی که شارع مقدس آن را در ردیف شراب و مقدمه‌ی زنا و سایر گناهان قرار داده است از لحن شدید احادیث بر می‌آید که انسان عاقل برای نجات از این سم کشنده در جایی که شک هم دارد اجتناب می‌نماید تا چه رسد مجالسی تحت عنوان موسیقی سنتی و اصیل ایرانی و امثال اینها را بر پا نماید و جوایزی از بیت المال مسلمین به مروجین موسیقی بدهد آیا در کشور ما مشکل مردم از جهت اقتصادی، اشتغال و بیکاری، تورم، ازدواج جوانان، فرهنگ ناب اسلامی و صدها امور دیگر حل شده تا به این کارهای باطل بپردازیم؟!

بر فرض که همه مشکلات ما حل شده، مگر اسلام عزیز اجازه می‌دهد اموال مردم صرف امور پوچ و بیهوده گردد، در کجای تاریخ معتبر اسلام داریم که پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و یا حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَام و سایر ائمه عَلَیْهِم‌السَّلَام العیاذ بالله جلسه‌ای تحت عنوان موسیقی اصیل عربی و ... تشکیل داده و مروجین موسیقی اعم از موسیقی حرام یا مشکوک را با بیت المال تقدیر نامه و صوت و کف مورد تشویق قرار دهند.

و اینک به فتاوای اسلام شناسان واقعی که همان علماء ربانی و مراجع عظیم الشأن هستند توجه فرمائید:

متأسفانه برخی متصدیان فرهنگی کشور، بعضی از نویسندگان طاغوتی را تشویق کرده و یا با برپایی جشنواره‌های موسیقی هدایایی را به عنوان تشویق به موسیقی دانان می‌پردازند. آیا صرف بیت المال مسلمین در این راستا و اهدای هدایا از بیت المال به این گونه افراد جایز است و اساساً این حرکات در نظام اسلامی چه صورت دارد؟

مقام معظم رهبری (دامت برکاته): صرف بیت المال باید طبق موازین قانونی و شرعی صورت پذیرد.

آیت الله تبریزی رحمهٔ الله علیه: تشویق کسانی که موسیقی لهوی می‌زنند حرام است و کسی که اموال عمومی را صرف آنها می کند ضامن است و نزد خداوند متعال مسؤول اعمالش می‌باشد و باید توجه کند و گر نه در آخرت مسؤول خواهد بود.

آیت الله صافی گلپایگانی (دامت برکاته): موسیقی متداول فعلی به تمام اقسامه حرام است و تعلیم و تعلم و صرف بیت المال مسلمین در این گونه امور حرام است و موجب اشتغال ذمه مسؤولین مربوطه است.

آیت الله مکارم شیرازی (دامت برکاته): تشویق کسانی که موسیقی می‌نوازند جایز نیست.

آیت الله فاضل لنکرانی رحمهٔ الله علیه: مربوط به نظر مسؤولین است ولی به طور کلی اگر کار حرامی صورت گیرد به هیچ وجه جایز نیست.

آیت الله مظاهری (دامت برکاته): حرام است و ضمان آور می‌باشد.

(۱۶۶)

منابع و مآخذ

۱ – قرآن کریم

۲ – گناهان کبیره

۳ – عین الحیوه

۴ – بهشت جوانان

۵ – مکاسب محرمه شیخ انصاری

۶ – وسائل الشیعه

۷ – تفسیر نمونه

۸ – استفتائات مقام معظم رهبری

۹ – استفتائات آیت الله فاضل لنکرانی

۱۰ – حق الیقین

۱۱ – فقه الرضا عَلَیْهِ السَّلَام

۱۲ – تفسیر قمی

۱۳ – مجمع البیان

۱۴ – تفسیر شبر

۱۵ – جوان و موسیقی

۱۶ – کافی

۱۷ – تفسیر نورالثقلین

۱۸ – دعائم الاسلام

۱۹ – مستدرک الوسائل

۲۰ – بحارالانوار

۲۱ – فرهنگ عمید

۲۲ – الدر المنثور

۲۳ – تفسیر قرطبی

۲۴ – صحیفه‌ی نور

۲۵ – روزنامه کیهان

۲۶ – روزنامه جمهوری اسلامی

۲۷ – تعلیم و تربیت در اسلام

۲۸ – فجر اسلام

۲۹ – مجموعه آثار

۳۰ – مبانی فقهی و روانی موسیقی

۳۱ – نظری به موسیقی

۳۲ – اجوبه الاستفتائات

۳۳ – مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع

۳۴ – پرسشها و پاسخهای دانشجویی

۳۵ – العروه الوثقی

۳۶ – استفتائات میرزا جواد تبریزی

۳۷ – استفتائات مکارم شیرازی

۳۸ – ویژه نامه فرهنگ اسلام

۳۹ – موسیقی از نظر دین و دانش

۴۰ – مناظره دکتر و پیر

۴۱ – تأثیر موسیقی بر روان واعصاب

۴۲ – موسیقی و غنا از دیدگاه اسلام

۴۳ – المنجد

۴۴ – المعجم الوجیز

۴۵ – المعجم الوسیط

۴۶ – تفسیر شریف لاهیجی

۴۷ – نیل الاوطار

۴۸ – الغدیر

۴۹ – جامع احادیث شیعه

۵۰ – تفسیر عیاشی

۵۱ – تفسیر جوامع الجامع

کتابنامه موسیقی

۱ اقرب الموارد

۲ – المعجم الوجیز

۳ – المعجم الوسیط

۴ – برهان قاطع

۵ – لغت نامه دهخدا

۶ – فرهنگ نوین

۷ – الموسیقی الکبیر

۸ – فرهنگ زبان فارسی

۹ – فرهنگ دانشگاهی

۱۰ – فرهنگ عمید

۱۱ – العین

۱۲ – مجمع البحرین

۱۳ – المنجد

۱۴ – مصباح ۱۵ – قاموس فقهی ۱۶ – نهایه ابن اثیر ۱۷ – خصال شیخ صدوق ۱۸ – تفسیر مراغی، فتح البیان ۱۹ – سیری در صحیحین ۲۰ – موسیقی در تاریخ و قرآن ۲۱ – شیعه و زمامداران خود سر ۲۲ – وسائل الشیعه ۲۳ – الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه ۲۴ – کفایه الاحکام ۲۵ – حدائق بحرانی ۲۶ – جامع الشتات ۲۷ – میراث فقهی ۲۸ – حدائق الناظره فی احکام العتره الطاهره ۲۹ – ریاض المسائل ۳۰ – مستند الشیعه ۳۱ – مشارق الاحکام ۳۲ – رساله فی تحریم الغناء ۳۳ – رساله وجیزه فی الغناء ۳۴ – مکاسب ۳۵ – مناهج المتقین ۳۶ – مکاسب محرمه، امام خمینی ۳۷ – مستند تحریر الوسیله، مصطفی خمینی ۳۸ مجمع المسائل ۳۹ – انوار الفقاهه ۴۰ – استفتائات مکارم شیرازی ۴۱ – جامع المسائل، فاضل لنکرانی ۴۲ – انسان غنا موسیقی ۴۳ – بهشت جوانان ۴۴ – الموسیقیات ۴۵ – جواهر الکلام ۴۶ – ذریعه الاستغناء فی تحقیق مساله الغناء ۴۷ – روح البیان ۴۸ – کشف الاسرار (تفسیر خواجه عبدالله انصاری) ۴۹ – تفسیر قمی ۵۰ – مجمع البیان ۵۱ – التبیان ۵۲ – تفسیر روان جاوید ۵۳ – المیزان ۵۴ – تفسیر شریف لاهیجی ۵۵ – امالی طوسی ۵۶ – روضه المتقین ۵۷ – جامع احادیث شیعه ۵۸ – تفسیر صافی ۵۹ – بجارالانوار ۶۰ – ایسرالتفاسیر ۶۱ – مفتاح الکرامه ۶۲ – جامع المدارک فی شرح مختصر النافع ۶۳ – عیون اخبار الرضا عَلَیْهِ السَّلَام ۶۴ – کنزالعمال ۶۵ – لئالی الاخبار ۶۶ – نظره الاسلام الی الموسیقی و الغناء ۶۷ – نهج البلاغه ۶۸ – سنن ابن ماجه ۶۹ – فروع کافی ۷۰ – جعفریات ۷۱ – تفسیر قرطبی ۷۲ – موسوعه الفقهیه ۷۳ – احیاء علوم الدین ۷۴ – محجه البیضاء ۷۵ – الوافی ۷۶ – السرائر ۷۷ – صحیفه نور ۷۸ – مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان ۷۹ – محاضرات فی الفقه الجعفری ۸۰ – الرسائل الفقهیه ۸۱ – اجوبه المسائل ۸۲ – الکافی فی الفقه ۸۳ – تذکره الفقهاء ۸۴ – منتهی المطلب ۸۵ – تحریر الاحکام الشرعیه ۸۶ – مبانی فقهی و روانی موسیقی ۸۷ – کشف الغطاء ۸۸ – مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها ۸۹ – المقنع ۹۰ – الهدیه ۹۱ – المقنعه ۹۲ – المراسم العلویه ۹۳ – تفسیر نمونه ۹۴ – مبسوط ۹۵ – تفسیر عیاشی ۹۶ – الغدیر ۹۷ – العروه الوثقی ۹۸ – دیدگاه پنجم ۹۹ – موسیقی و غناء از دیدگاه اسلام ۱۰۰ – جوان و موسیقی ۱۰۱ – دعائم الاسلام ۱۰۲ – الدرالمنثور ۱۰۳ – نظری به موسیقی ۱۰۴ – تفسیر قرطبی ۱۰۵ – فقه الرضا عَلَیْهِ السَّلَام ۱۰۶ – عین الحیوه ۱۰۷ – موسیقی از دیدگا فلسفی و روانی ۱۰۸ – گناهان کبیره ۱۰۹ – مناظره دکتر و پیر ۱۱۰ – موسیقی از نظر دین و دانش.

(۱) واعظ خانواده ص ۲۳ – ۲۴ به نقل از منتهی الآمال ج ۲ ص ۱۲۶

(۲) نظری به موسیقی ج۱ ص ۱۱۹ – ۱۲۰، به نقل از منتهی الآمال ج۲ ص ۸۹ – ۹۰

۱. یکی از آلات موسیقیست شبیه سه تار که دارای دسته ای دراز و کاسه‌ای کوچک می‌باشد.

فرهنگ عمید ص ۴۱۷

۲. کافی ج ۶ ص ۴۳۱

«لما مات آدم عَلَیْهِ السَّلَام و شمت به ابلیس و قابیل فاجتمعا فی الارض فجعل ابلیس و قابیل المعارف و الملاهی شمائه بآدم عَلَیْهِ السَّلَام فکل ما کان فی الارض من هذا الضرب الذی یتلذذ به الناس فانما هومن ذاک».

۳. تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۴۰، ذیل آیه‌ی ۳۵ سوره بقره، بحار الانوار ج ۶ ص ۳۳ و وسایل الشیعه ج ۱۷ ص ۳۱۰.

«کان ابلیس اول من تغنی و اول من ناح و اول من حدا، لما اکل آدم من الشجره تغنّی، فلما هبط حَدا، فلما استقر علی الارض ناح یذکره ما فی الجنه».

۱. فخر اسلام ص ۱۷۷

۲. مجموعه آثار ج ۱۴ ص ۳۶۵

۳. مبانی فقهی و روانی موسیقی ص ۲۵

۱. در حالی که امروزه ثابت شده است که با ازدیاد شیر گاو توسط موسیقی مواد سمی زیادی از بدن گاو در شیر ترشح می‌نماید که همگی برای بشر مضر است.

۱. امروزه حدود ۴۵۰ میلیون نفر از مردم دنیا از یک بیماری روانی یا رفتاری رنج می‌برند.

طبق آمار سازمان بهداشت جهانی در سال ۲۰۰۱، ۳۳ درصد ا عمر سپری شده افراد با ناتوانی (YLD) به دلیل بیماری‌های عصبی و روانپزشکی است.

بیماری افسردگی تک قطب، علت ۱۲ / ۱۵ درصد از ناتوانی هاست و سومین رتبه را بین کل بیماری‌ها دارد.

۴ مورد از ۶ علت اصلی ناتوانی به دلیل بیماری‌های عصبی و روانپزشکی را، بیماری‌های روانی چون: افسردگی، بیماری‌های وابسته به مصرف الکل، اسکیزوفرنی و بیماریهای دو قطبی به خود اختصاص داده است.

بیش از ۱۵۰ میلیون نفر از مردم دنیا در هر برهه از زمان از افسردگی رنج می‌بند. حدود ۱ میلیون خودکشی موفق هر سال در جهان وجود دارد و حدود ۲۵ میلیون نفر از مردم جهان از اسکیزوفرنی، ۳۸ میلیون نفر از صرع بیش از ۹۰ میلیون نفر از یک بیماری وابسته به مصرف الکل و یا سایر موارد رنج می‌برند.

۲. تأثیر موسیقی بر اعصاب و روان صص ۱۵۳ – ۱۵۷

۳. همان ۱۷۱

۴. همان ص ۱۷۳

. (۱۴) روزنامه جمموری اسلامی ۱۸ بهمن ۷۷

۱. اقرب الموارد ماده موسق ص ۱۲۵۲

۲. المعجم الوجیز ص ۵۹۴

۳. المعجم الوسیط ص ۸۹۱

۱. مسائل فقهی و روانی موسیقی ص ۲۰

۱. اجوبه الاستفتائات ج ۲ ص ۲۵

۱. مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع تقلید ج ۳ ص ۹۵ – ۹۶

۱. آشنایی با رسالات موسیقی ص ۲۰

۲. همان ص ۲۰

۳. همان ص ۲۰

۴. همان ص ۲۱

. (۲۵) پرسشها و پاسخهای دانشجویی ص ۴۷

(۲۶). همان ۴۷

(۲۷). همان ص ۴۷

. (۲۸) همان ص ۴۸

۲. موسیقی و غنا از دیدگاه اسلام ص ۲۶ – ۲۷

۳. عین الحیوه ج۱ ص ۴۱۸

۴. گناهان کبیره ج۱ ص ۲۶۵ – ۲۶۶

۵. مکاسب محرمه شیخ انصاری رحمهٔ الله علیه بحث غناء

۶. عین الحیوه ج۱ ص ۴۱۸

۷. همان ص ۴۱۸

۱. گناهان کبیره ج۱ ص ۲۶۵ – ۲۶۶

۲. عین الحیوه ج۱ ص ۴۱۸

۳. گناهان کبیره ج۱ ص ۲۶۵ – ۲۶۶

۴. مکاسب محرمه ج ۱ ص ۲۱۰، بهشت جوانان ص ۳۴۳

۱. اصول کافی ج ۲ ص ۶۱۶

۱. دیدگاه پنجم ص ۴۸ تا ۵۳

۲. نظری به موسیقی ج ۱ ص ۲۰۶

۳. جوامع الجامع ج ۲ ص ۲۹۲

۱. گناهان کبیره ج ۱ ص ۲۶۵

۲. همان ص ۲۷۲

۳. استفتائات مقام معظم رهبری ص ۳۴۸، س ۱۱۳۰

۴. استفتائات آیت الله فاضل لنکرانی ج ۱ ص ۲۸۵، س ۱۰۰۶

۵. همان ص ۲۸۵ س ۱۰۰۵

۶. مسائل جدید از دیگاه علماء و مراجع تقلید ج ۱ ص ۶۵ – ۶۶

۱. جامع المسائل، مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع تقلید ج۱ ص ۴۷ – ۴۸

۲. مانند روایت ابی بصیر از امام صادق : «رجع بالقرآن صوتک فان الله یجب الصوت الحسن» و مانند مرسله‌ی ابن ابی عمیر: «ان القرآن نزل بالحزن فاقرئوه بالحزن». (مستند کتاب شهادات ص ۴۶۵) (گناهان کبیره ج۱ ص۲۷۳)

وسائل الشیعه کتاب تجارت باب ۲۷

۳. مانند روایت ابی بصیر از امام صادق : «رجع بالقرآن صوتک فان الله یجب الصوت الحسن» و مانند مرسله‌ی ابن ابی عمیر: «ان القرآن نزل بالحزن فاقرئوه بالحزن». (مستند کتاب شهادات ص ۴۶۵) (گناهان کبیره ج۱ ص۲۷۳)

۴. تفسیر نمونه ج ۱۷ ص ۱۹ – ۲۷

۱. گناهان کبیره ج ۱ ص ۲۷۲

۱. جوان و موسیقی ص ۶۴ – ۶۵ به نقل از داستان‌های عبرت انگیز از مجازات گناهکاران ص ۱۹۶

۲. گناهان کبیره ج ۱ ص ۲۷۳

(۵۶) – گناهان کبیره، ج ۱، ص ۲۶۲ – ۲۶۴ نقل از رساله‌ی تأثیر موسیقی بر اعصاب، ص ۳

(۵۷) – گناهان کبیره، ج ۱، ۲۶۴

(۵۸) – همان، ص ۴۴۵ – بهشت جوانان ص ۳۵۸

(۵۹). مناظره دکتر و پیر ص ۴۴۵ – ۴۴۷

. (۶۰) مناظره دکتر و پیر ص ۴۴۷

. (۶۱) مناظره دکتر و پیر ص ۴۴۸

(۶۲). مناظره دکتر و پیر ص ۴۴۹

(۶۳). همان ص ۴۴۹

(۶۴). همان ص ۴۵۰

(۶۵). مناظره دکتر و پیر ص ۴۵۰ – ۴۵۱

(۶۶). موسیقی از نظر دین و دانش ص ۲۵۰.

(۶۷) – سوره انعام /

۶ – اعراف / ۹۶ – هود ی ۵۲ – عنکبوت / ۴۰ – طلاق / ۲و۳و۴ – نوح / ۱۰و۱۲

(۶۸) – بهشت جوانان، ۳۶۱ – به نقل ار کتاب تأثیر موسیقی بر اعصا ب و روان – موسیقی از نظر دین و دانش – تاریخ موسیقی از سعدی حسنی

(۶۹) – موسیقی از نظر دین و دانش، بهشت جوانان، ص ۳۵۵ – ۳۵۶

(۷۰) – همان، صفحه ۵۲

(۷۱) – موسیقی از نظر دین و دانش، ص ۴۷

(۷۲) – همان (می خواهد قانون وراثت را هم ثابت کنند)

(۷۳) – تأثیر موسیقی بر روان و اعصاب، ص ۱۳۴

(۷۴) – تأثیر موسیقی یر روان واعصاب، ص ۱۳۳ومناظره دکتر و پیر، ص ۴۵۲

(۷۵) – مناظره دکتر وپیر، ص ۴۴۷

(۷۶) – مناظره دکتر و پیر ص ۴۴۹

(۷۷) – بی‌نظمی در این دو اعضا مشکلات زیر را به همراه دارد:

۱ – اضطراب گوناگون

۲ – عصبانیت

۳ – سستی

۴ – بی‌ارادگی

۵ – سر گیجه

۶ – صُراع

۷ – مالیخولیا

۸ – نفخ معده

۹ – تحریکات قلبی

۱۰ – تپش قلب

۱۱ – بی‌نظمی

۱۲ – آنژین صدری

۱۳ – انقباضات عروقی

۱۴ – اختلالات غدد ترشح داخلی و خصوصاً تخمدان و تیرویید ۱۵ – اسپاسم لوله گوارشی ۱۶ – آسم (تنگی نفس) ۱۷ – نزله‌ی انقباضی و ... تأثیر موسیقی بر روان و اعصا ب، ص ۳۸

(۷۸) – هنری باروک می‌گوید:

نوعی بیماری روانی است که شخص بیمار گاهی می‌خندد و بعضی از اوقات از خود ترشرویی نشان می‌دهد و گاهی گرفته و غمگین است.

(۷۹) – نوعی مرض روحیست که شخص ادعاهای بی مورد کرده و خود را شریفتر وبالاتر از همه می‌داند.

(۸۰) – یک نوغ بیماری روانی است که مورد بحث وتوجه روانکاوان است این بیماری شدت آن گاهی به جایی می‌رسد که طرف، خود را برای هلاکت خود قیام کرده، خویش را به آب و آتش می‌اندازد، مسموم می‌کند، خود را به زیر اتومبیل معشوق رها می‌کند و این بیماری گاهی شخص را به تیمارستان می‌کشاند. تأثیر موسیقی بر روان و اعصا ب، ص ۹۶

(۸۱) – مبانی فقهی و روانی موسیقی، ص ۳۳

(۸۲) – صحیفه‌ی نور ج ۸ ص ۱۹۷ تا ۱۰۱

(۸۳) – همان ج ۹ ص ۱۵۵

(۸۴) – الاغانی، لابی الفرج الاصفهانی ج ۱ ص ۶۸

(۸۵) – همان ج ۳ ص ۳۰۷

(۸۶) – همان ج ۳ ص ۳۰۷، از اوج تا فرود، نگاهی به جامعه‌ی اسلامی در عصر اموی نویسنده اسمیه العظم، ترجمه: سید مهدی علیزاده موسوی صص ۱۰۳ – ۱۰۷

(۸۷) – صحیفه‌ی نور ج ۹ ص ۱۵۵

(۸۸) – موسیقی از نظر دین و دانش، ص ۳۰

برادران و خواهران عزیز جهت اطلاع در مورد موسیقی غیر از کتبی که در پاورقی اسامی آنها ذکر شده به این کتاب‌ها هم مراجعه فرمایید:

۱ – راز کامیابی مردان بزرگ

۲ – تاریخ موسیقی نویسنده لرست دلین

۳ – تاریخ موسیقی سعدی حسنی

۴ – مناظره دکتر و پیر

۵ – بناهای اجتماعی قرن‌ها

۶ – گناهان کبیره

۷ – اندیشه‌ها و اندرزها

(۸۹) – موسیقی از نظر دین و دانش، ص ۳۱

(۹۰) – همان

(۹۱) – همان، ص۱۳۴و مناظره دکتر و پیر، ص ۴۵۲ – ۴۵۳وموسیقی از نظر دین و دانش، ص ۵۲

(۹۲) – همان، ص ۱۳۵

(۹۳) – «قانون» که یکی از آلات نوازندگی موسیقی است، مبتکرش فارابی می‌باشد.

(۹۴) – الکنی والالقاب ج ۳ ص

۲ – ۳

(۹۵) – نظری به موسیقی ج۱ ص ۱۶۶ – ۱۶۷

(۹۶) – بهشت جوانان ص ۳۵۶ – تأثیر موسیقی بر روان و اعصا ب نقل از مجله روشنفکر ش ۵۵۶– ص ۲۶

(۹۷) – بهشت جوانان، ص ۳۵۹ – تأثیر موسیقی بر روان و اعصا ب نقل از مجله جوانان سال چهارم

(۹۸) – تأثیر موسیقی بر روان و اعصا به نقل از مجله امید ایران، ش ۸۳۵، ص ۲۵

(۹۹) – موسیقی از نظر دین و دانش، ص ۲۰ – بهشت جوانان، ص ۳۵۹

(۱۰۰) – بهشت جوانان، ص ۳۶۰ – موسیقی از نظر دین و دانش، ص ۲۰

(۱۰۱) – همان، ص ۳۶۰ – تأثیر موسیقی بر روان و اعصاب ص ۸۳ نقل از مجله روشنفکر ش ۷۹۰، ص ۵۴

(۱۰۲) – همان، ص ۳۶۳ – به نقل از مجله صبح، ش ۷۶، آذر ۷۶، ص

۹ – نشریه شلمچه ش ۲۰ نیمه اول آذر ۷۶

(۱۰۳) – روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، ۴ بهمن، سال ۷۷

(۱۰۴) – مجله زن، ۲۲مهر سال ۷۴و ۶ آبان ۷۴، ص ۷ – بهشت جوانان، ص ۳۶۴

(۱۰۵) – سروش جوان شماره ۴۲، سال چهارم.

(۱۰۶). کافی ج ۶ ص ۴۳۳، «بَيْتُ الْغِنَاءِ لَا تُؤْمَنُ فِيهِ الْفَجِيعَةُ وَ لَا تُجَابُ فِيهِ الدَّعْوَةُ وَ لَا يَدْخُلُهُ الْمَلَكُ».

(۱۰۷). همان ج ۶ ص ۴۳۴، «ضَرْبُ الْعِيدَانِ يُنْبِتُ النِّفَاقَ فِي الْقَلْبِ كَمَا يُنْبِتُ الْمَاءُ الْخُضْرَةَ».

(۱۰۸). الدر المنثور ج ۵ ص ۳۰۸، مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۴۵۷ چ قدیم، ج ۱۳ ص ۲۱۴ چ جدید، بحارالانوار ج ۷۳ ص ۲۴۷

(۱۰۹) – همان ج ۵ ص ۳۰۸ ...، «ایاکم و العناد فانه ینقص الحیاء و یزید فی الشهوه و یهدم المروه و انه لینوب عن الخمر و یغفل ما یفعل لسکر فان کنتم لا بد فاعلین فجنبوه النساء، فان الغناء داعیه الزناء.»

(۱۱۰) – غنا و موسیقی از دیدگاه سلام ص ۱۴۱

(۱۱۱) – کافی ج ۶ ص ۴۳۲، «مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَجَاءَ عِنْدَ تِلْكَ النِّعْمَةِ بِمِزْمَارٍ فَقَدْ كَفَرَهَا وَ مَنْ أُصِيبَ بِمُصِيبَةٍ فَجَاءَ عِنْدَ تِلْكَ الْمُصِيبَةِ بِنَائِحَةٍ فَقَدْ كَفَرَهَا»

(۱۱۲) – کافی ج ۶ ص ۴۳۲، «إِنَّ شَيْطَاناً يُقَالُ لَهُ الْقَفَنْدَرُ إِذَا ضُرِبَ فِي مَنْزِلِ الرَّجُلِ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً بِالْبَرْبَطِ وَ دَخَلَ عَلَيْهِ الرِّجَالُ وَضَعَ ذَلِكَ الشَّيْطَانُ كُلَّ عُضْوٍ مِنْهُ عَلَى مِثْلِهِ مِنْ صَاحِبِ الْبَيْتِ ثُمَّ نَفَخَ فِيهِ نَفْخَةً فَلَا يَغَارُ بَعْدَ هَذَا حَتَّى تُؤْتَى نِسَاؤُهُ فَلَا يَغَارُ».

(۱۱۳). مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۲۱۸، «لَا تَدْخُلُ الْمَلَائِكَةُ بَيْتاً فِيهِ خَمْرٌ أَوْ دَفٌّ أَوْ طُنْبُورٌ أَوْ نَرْدٌ وَ لَا يُسْتَجَابُ دُعَاؤُهُمْ وَ تُرْفَعُ عَنْهُمُ الْبَرَكَةُ».

(۱۱۴). جوان و موسیقی ص ۲۰ و ۲۱ به نقل از مهدی منتظر ص ۱۴۵

(۱۱۵). جوان و موسیقی ص ۲۲ به نقل از المخازن ج ۱ ص ۳۱۱، جامع احادیث شیعه ج ۲۲ ص ۲۴۸ ح ۳۱۹۹۱

(۱۱۶). الدرالمنثور ج ۵ ص ۳۰۸

(۱۱۷). لئالی الاخبار ج ۵ ص ۲۱۹

(۱۱۸). یا علی! ثلاثه یقسین القلب: استماع الله و و طلب الصید و اتیان باب السلطان؛

(۱۱۹). موسیقی و غنا از دیدگاه اسلام ص ۱۵۷ و خصال صدوق ج ۱ ص ۱۲۵

(۱۲۰). مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۲۱۹ چ جدید و چ قدیم ج ۲ ص ۴۵۹، تفسیر قرطبی ج ۱۴ ص ۵۴، «یُحْشَرُ صَاحِبُ الطُّنْبُورِ یَوْمَ الْقِیَامَهِ وَ هُوَ أَسْوَدُ الْوَجْهِ وَ بِیَدِهِ طُنْبُورٌ مِنَ النَّارِ وَ فَوْقَ رَأْسِهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَکٍ بِیَدِ کُلِّ مَلَکٍ مِقْمَعَهٌ یَضْرِبُونَ رَأْسَهُ وَ وَجْهَهُ وَ یُحْشَرُ صَاحِبُ الْغِنَاءِ مِنْ قَبْرِهِ أَعْمَی وَ أَخْرَسَ وَ أَبْکَمَ وَ یُحْشَرُ الزَّانِی مِثْلَ ذَلِکَ وَ صَاحِبُ الْمِزْمَارِ مِثْلَ ذَلِکَ وَ صَاحِبُ الدَّفِّ مِثْلَ ذَلِکَ».

(۱۲۱). جامع احادیث ج ۲۲ ص ۲۳۳

(۱۲۲). نظری به موسیقی ج ۲ ص ۳۲۴، به نقل از درالمنثور ج ۲ ص ۳۲۴

(۱۲۳). من قعد الی قینه یستمع منها صبَّ الله فی اذنیه الانک

(۱۲۴). کنزالعمال ج ۱۵ ص ۲۲۰، ح ۴۰۶۹۹، مستدرک الوسایل ج ۲ ص ۴۵۹

(۱۲۵) جامع الاخبار ص ۱۸۰

(۱۲۶). کافی ج ۶ ص ۴۳۴، «من نزه نفسه عن الغناء فان فی الجنه شجره یأمرالله عز و جل الریاح ان تحرکها لها صوتاً لم یسمع بمثله و من لم یتنزه عنه لم یسمعه».

(۱۲۷). گناهان کبیره ج ۱ ص ۲۵۹، «إِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ الصِّنَاعَهَ الَّتِی حَرَامٌ کُلُّهَا الَّتِی یَجِیءُ مِنْهَا الْفَسَادُ مَحْضاً نَظِیرُ الْبَرَابِطِ وَ الْمَزَامِیرِ وَ الشِّطْرَنْجِ وَ کُلِّ مَلْهُوٍّ بِهِ وَ الصُّلْبَانِ وَ الْأَصْنَامِ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِکَ مِنْ صِنَاعَاتِ الْأَشْرِبَهِ الْحَرَامِ وَ مَا یَکُونُ مِنْهُ وَ فِیهِ الْفَسَادُ مَحْضاً وَ لَا یَکُونُ فِیهِ وَ لَا مِنْهُ شَیْءٌ مِنْ وُجُوهِ الصَّلَاحِ فَحَرَامٌ تَعْلِیمُهُ وَ تَعَلُّمُهُ وَ الْعَمَلُ بِهِ وَ أَخْذُ الْأَجْرِ عَلَیْهِ وَ جَمِیعُ التَّقَلُّبِ فِیهِ مِنْ جَمِیعِ وُجُوهِ الْحَرَکَاتِ کُلِّهَا إِلَّا أَنْ یَکُونَ صِنَاعَهً»

(۱۲۸). مجمع البیان ج ۸ ص ۳۱۳، «لا یحل تعلیم المغنیات و لا بیعهن و اثمانهن حرام و قد نزل تصدیق ذلک فی کتاب الله و من الناس من یشتری لهو الحدیث...

(۱۲۹). تفسیر نورالثقلین ج ۴ ص ۱۹۴

(۱۳۰). سفینه البحار ج ۲ ص ۳۲

. (۱۳۱) سفینه البحار ج ۲ ص ۳۲۸

(۱۳۲). مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع تقلید ج ۳ ص ۸۳ – ۸۵

(۱۳۳). مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع تقلید ج ۱ ص ۷۱ – ۷۲

۱. حج / ۳۰

۲. کافی ج ۶ ص ۴۳۱

عن ابی بصیر قال:

سألت اباعبدالله عَلَیهِ السَّلَام عن قول الله عز و جل: فاجتنبوا الرجس من الاوثان و اجتنبوا قول الزور قال: الغناء.

۳. تفسیر نورالثقلین ج۳ ص ۴۹۶، وسایل الشیعه ج ۱۲ ص ۲۲۵

عن ابی عبدالله عَلَیهِ السَّلَام قال فی قول الله عز و جل: فاجتنبوا الرجس من الاوثان و اجتنبوا قول الزور قال:

الرجس من الاوثان الشطرنج و قول الزور الغناء.

۱. فرقان / ۷۲

۲. فرقان / ۷۲

۳. کـافی ج ۶ ص ۴۳۱، المیزان ج ۱۵ ص ۲۶۵، دعائم الاسلام ج ۲ ص ۲۰۸ ح ۷۶۴ به نقل از مسـتدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۲۱۳ باب ۷۸ ح ۶.

عن ابی عبدالله عَلَیْهِ السَّلَام قال فی قوله عز و جل: و الذین لا یشهدون الزور قال: الغناء.

۴. تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۱۷

۵. نورالثقلین ج ۴ ص ۴۱ و لا یشهدون الزور ای مجالس الفساق و لا یحصرون الباطل...

۶. تفسیر شریف لاهیجی ج ۳ ص ۳۵۳

۷. لقمان / ۶ و ۷

۸. کافی ج ۶ ص ۴۳۱، عن ابی جعفر عَلَیْهِ السَّلَام قال: سمعته یقول:

الغناء مما وعـدالله عز و جل علیه النار و تلا هـذه الآیه: و من الناس من یشتری لهو الحـدیث لیضل عن سبیل الله به غیر علم و یتخـذها هزواً اولئک لهم عذاب مهین.

۱. کافی ج ۶ ص ۴۳۳، ابـا عبـدالله عَلَیْهِ السَّلَام، یقول الغنـاء مجلس بان ینظر الله الی اهله و هو مما قال الله عز و جل: و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله.

۲. اسراء / ۳۸

۳. کافی ج ۶ ص ۴۳۲ و مستدرک الوسایل ج۱۳ ص ۲۲۱

۴. گناهان کبیره ج ۱ ص ۲۶۷

۱. حق الیقین ص ۵۶۵

۲. لقمان / ۶

۳. فقه الرضا عَلَیْهِ السَّلَام ص ۳۸ به نقل از مستدرک ج ۱۳ ص ۲۱۳ باب ۷۸ ح ۹ ط بیروت

۴. تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۶۱

۵. مجمع البیان ج ۸ ص ۳۱۳

۶. تفسیر شبر ص ۳۹۱ ط بیروت.

۷. مؤمنون / ۳

۸. تفسیر نورالثقلین ج ۳ ص ۵۳۹، بحارالانوار ج ۷۶ ص ۲۴، سوره مؤمنون / ۳

۱. نجم / ۵۹ – ۶۱

۲. موسیقی و غنا از دیدگاه اسلام ص ۱۲۲ به نقل از البشائر ج ۳ ص ۴۵۴

۳. الغدیر ج ۸ ص ۶۸

. (۱۶۰) اصول الفقه ج

۳ – ۴ ص ۹۷

. (۱۶۱) همان ص ۱۰۵

(۱۶۲). مبانی فقهی و روانی موسیقی صص ۲۰ – ۳۰

(۱۶۳). تعلیم و تربیت در اسلام ص ۷۰ تا ص ۷۳

(۱۶۴). جوان و موسیقی ص ۸۷ به نقل از بیماریهای روانی ج ۲ ص ۵۷۷

(۱۶۵). همان

– (۱۶۶) بهشت جوانان ص ۳۷۲ به بعد

–

–

–

–

۸

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال،

خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹